

۴
کافهزبان فارسی و همبستگی ملی
سخنرانی ژاله آموزگار۴
تماشاظهور هیولای درون
درباره سریال وحشی۶
توسعهسیاست سانه‌رخی
درباره اصلاح قیمت گازونیل۷
کوچهترویج صیفه در صداوسیما؟
درباره تبلیغ برنامه همسریابی

دلوایپسان ناصادق

حملات اصولگرایان و برخی از نمایندگان مجلس

به فرزانه صادق‌مالواجرد، وزیر راه و شهرسازی

به بهانه ریخت‌وپاش بیت‌المال، بیشتر شبیه به یک تسویه‌حساب شخصی است
چرا آنها اساساً از ریخت‌وپاش‌ها در میان خودشان سخن نمی‌گویند؟

هدا احمدی

گروه سیاسی



ماجرای جنجالی سفر خانوادگی فرزانه صادق، وزیر راه و شهرسازی به کیش که توسط یکی از نمایندگان اصولگرای مجلس از تریبون رسمی مطرح شد، در ظاهر نشانی از حساسیت بر بیت‌المال دارد. اما واکنش‌ها، سوابق منتقدان و سکوت‌های معنادار آن‌ها در موارد مشابه، این سؤال را پیش می‌کشد که آیا واقعاً دغدغه فساد و شفافیت در میان است یا تنها یک ابزار برای حذف سیاسیون خارج از دایره هم‌فکران خود؟ این گزارش نگاهی دارد به زوایای پنهان این ماجرا، نقش دلوایپسان در آن و چرایی گزینشی بودن افشاگری‌ها در عرصه سیاست امروز ایران.

سخنان اخیر امیرحسین ثابتی، مجری سابق و نماینده فعلی تهران و حمله رسانه‌ای او به فرزانه صادق، وزیر راه و شهرسازی، نمونه بارزی از این استانداردهای دوگانه است. او در جلسه علنی مجلس اعلام کرد: «چون در کشور ما قانون شفافیت کامل نیست و همان هم درست اجرا نمی‌شود، ما نماینده‌ها مجبوریم بعضی از اسنادی که به دستمان می‌رسد را برای مردم شفاف کنیم.» او سپس از سندی سخن گفت که نشان می‌دهد برخی بستگان درجه یک وزیر راه (فرزند و همسر ایشان تا داماد و خواهرزاده‌هایش) با هزینه‌ای نزدیک به یک میلیارد تومان به کیش سفر کرده‌اند. همزمان، روابط عمومی وزارت راه و شهرسازی با انتشار بیانیه‌ای، ادعاهای این نماینده را تکذیب کرد و اعلام داشت که سفر کاملاً شخصی بوده و هزینه آن نیز از محل منابع شخصی خانواده‌ها تأمین شده است. آنان حتی اعلام آمادگی کردند که مستندات این موضوع را در صورت لزوم در اختیار افکار عمومی و مراجع ذی‌صلاح قرار دهند.

با این حال، ثابتی عقب‌ننشست و در واکنش به این بیانیه نوشت: «واکنش به سندی که امروز در مجلس درباره‌اش صحبت کردم، ناقص است و مستنداتی ارائه نشده.» او همچنان بر موضع خود باقی ماند، هرچند وزارت راه به این نکته هم اشاره داشت که مستندات آن به صورت کامل موجود بوده و در صورت لزوم در اختیار افکار عمومی و مراجع ذی‌صلاح قرار خواهد گرفت.

ادامه در صفحه ۲

میراث رئیسی

یک سال از درگذشت شهید خدمت سیدابراهیم رئیسی گذشت



یادداشت روز

رجوع به منطقه

مجمع گفت‌وگوهای تهران
چه پیامی برای کشورهای منطقه و فرامنطقه داشت؟

علی بیگدلی

استاد دانشگاه
و کارشناس مسائل بین‌الملل

برگزاری نشست‌ها و اجلاس‌هایی مانند «مجمع گفت‌وگوی تهران» و دعوت از نمایندگان کشورها نشانه‌ای است از اینکه ما در انزوای سیاسی نیستیم و این دقیقاً برخلاف آنچه ترامپ در گذشته ادعا کرده بود، محسوب می‌شود؛ چراکه او ما را بازیگر منطقه‌ای نمی‌دانست اما این تحلیل درستی نبود و از سوی دیگر، اظهارات ترامپ اخیر او را باید زنده و مداخله‌جویانه بدانیم.

فارغ از تمام این موارد به نظر می‌رسد که مساله اصلی این است که باید نوع نگاه و داوریمان نسبت به منطقه را تغییر دهیم چراکه حالا که منطقه دچار تغییرات ژئوپلیتیکی گسترده‌ای شده باید بتوانیم راهبرد خود را بازبایی کنیم. به صورت کلی باید گفت که خاورمیانه درحال پوست‌اندازی است و ما نیز باید خود را با این تغییرات هماهنگ کنیم. کشورهایی در منطقه وجود دارند که می‌توانند با سرمایه‌گذاری به اقتصاد ما جان تازه‌ای بدهند و باید وارد خاورمیانه شویم، فضا را آرام کنیم و در این مسیر دست به ابتکارات جدید بزنیم. اینکه رئیس‌جمهور پزشکیان اعلام کرده‌اند که ما آماده همکاری با کشورهای همسایه برای برقراری صلح هستیم یک نگاه درست محسوب می‌شود و باید در جهت اجرای آن گام‌های عملی برداشته شود.

درخصوص رابطه با اروپا نیز باید توجه داشت که برخلاف برخی گفته‌ها، روابط ما با اروپا به کلی منجمد نشده است. برای مثال، نشست استانبول با حضور معاونان وزیر خارجه کشورمان نشان می‌دهد که هنوز درحال تعامل هستیم اما وقتی درباره مسائل مهمی مانند تعامل با اتحادیه اروپا گفت‌وگو می‌کنیم باید بدانیم، قدرت اتحادیه اروپا بسیار بیشتر از کشورهای منفرد اروپایی است و باید ابتکار عمل در مواجهه با آنها را در دست بگیریم و فضای مناسبی برای تعامل فراهم کنیم. باید در تعامل با اروپا و آمریکا رفتار جدیدی در پیش بگیریم. از سوی دیگر باید بدانیم که این نشست‌ها به تنهایی نمی‌توانند راهگشا باشند، مگر آنکه اقدامات جدید را به گونه‌ای که منافع ملی‌مان تأمین شود، در دستور کار قرار دهیم.

در مورد اروپا باید به این نکته توجه کنیم که تعامل با اروپا برای ما سادتر از تعامل با آمریکاست و پیچیدگی‌های زیادی در این خصوص وجود نخواهد داشت. مثلاً در قضیه «اسنپ‌بک» تا اکتبر باید به هر شکلی که شده، مسیر را باز کنیم و به یک مفاهمه مشترک برسیم و به‌نوعی پیش برویم که بتوانیم از وقایعی که پیش‌بینی نشده‌اند یا ممکن است برای ما هزینه‌زا باشد، جلوگیری کنیم. واقعیت این است که ما نیازمند یک تحول هستیم؛ چراکه نمی‌توان به برخی از بینش‌ها و مواضع گذشته وارد تعامل با منطقه شد. لازم است واقع‌گرایانه عمل کنیم و برای برداشتن موانع موجود، راه‌حل‌های عملی و مبتکرانه ارائه دهیم. به عنوان مثال، بعد از حدود یک دهه، شاهد آن هستیم که پرواز مستقیم هواپیمای عربستان سعودی وارد فرودگاه امام خمینی (ره) شده و این یک نشانه مثبت است که باید ادامه داشته باشد و سایر کشورهای منطقه را در بر بگیرد تا بتواند توسعه را به ارمان‌ها بیاورد. باید از این فرصت‌ها استفاده کنیم، ابتکار عمل داشته باشیم و فضا را باز کنیم و به‌نوعی سیاست منطقه‌ای خود را بازتعریف کنیم. باید با کنار گذاشتن نگاه‌های گذشته، با نگاهی جدید و عملی وارد صحنه سیاست منطقه‌ای شویم. تنها در این صورت است که می‌توانیم جایگاه منطقه‌ای خود را تقویت کنیم و در مسیر پیشرفت قرار بگیریم. ما باید به خاورمیانه بازگردیم، نگاه خود را تغییر دهیم و در تعامل با کشورهای منطقه باشیم. معتقدم که رویکردهای ایدئولوژیک صرف دیگر پاسخگو نیست. باید نگاه داخلی‌مان دینی اما نگاه بیرونی‌مان جهانی باشد.



سال هشتم شماره ۱۹۷۳
سه‌شنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۴

میهن

بررسی رویدادهای سیاسی

دیدگاه: یادداشت سیاسی

ادامه تیتیر یک

نزوم بازاندیشی تاریخ ایران

توسعه در ایران توسعه‌ای ناکامل است



مهدی پایدار
عضو شورای استان حزب کارگزاران
سازندگی ایران- همدان

مطابق آمار بانک جهانی GDP سرانه ایران (برحسب دلار جاری) از حدود ۲۲۴۳ دلار در سال ۱۹۷۷ نزدیک ۷۰۰۰ دلار در سال ۲۰۱۰ رسید اما پس از آن با افت‌وخیزهای فراوانی همراه بوده و در سال‌های اخیر به واسطه تحریم‌ها و ناکارآمدی ساختارهای اقتصادی، مجدداً نزولی شده است. گرچه باید در نظر داشت براساس موازنه ارزش دلار با شاخص مصرف‌کننده ایالات‌متحده در سال‌های یاد شده همان رقم ۲۲۴۳ دلار در سال ۱۹۷۷ معادل بیش از ۸۰۰۰ دلار در سال ۲۰۱۰ است که نشان‌دهنده سیر نزولی کلی درآمد سرانه است.

این ارقام، اگرچه خام و خشک به نظر می‌رسند اما خود سخنانی مهم در بطن دارند. در ساختاری که درآمدهای نفتی به جای آنکه پشتوانه زیرساخت‌های تولیدی و نهادهای مدنی قرار گیرند به مثابه رانت سیاسی توزیع شده‌اند، نوسانات شدید اقتصادی نه امری تصادفی بلکه نتیجه منطقی اقتصاد دستوری، تمرکزگرا و فاقد شفافیت‌اند. توسعه چنان‌که متفکرانی چون آمارتپاسن و نورث به تفصیل نشان داده‌اند، نه صرفاً به رشد عددی بلکه به ایجاد نهادهای با دوام، قابلیت پاسخگویی و زمینه انتخاب فردی وابسته است؛ عناصری که در ایران به دلیل تقدم سیاست بر اقتصاد و تقدم ایدئولوژی بر حقوق همواره معلق و ناقص مانده‌اند.

توسعه در ایران، در شکل فعلی‌اش، توسعه‌ای ناکامل است. چرخش‌های ایدئولوژیک در تاریخ معاصر ایران هرچند در ظاهر ناهمخوان‌اند اما در باطن بر مدار نوعی یکسان‌سازی ارزشی و تقلیل کثرت به وحدت می‌چرخند؛ وحدتی که نه در معنای هگلی غایت تاریخ بلکه در صورت‌تزی یافته خود یعنی حذف دگراندیشی، طرد فرد و تقدیس امر کلی ظاهر می‌شود. از همین‌رو، آنچه امروز در برابر ماست، نه صرفاً انتخابی سیاسی میان این یا آن الگو بلکه تاملی فلسفی در بن‌مایه‌های قدرت و آزادی است. ایران به واسطه میراث دیرینه عرفی و قدرت‌محور خود، مستعد تکرار چرخه اقتدار است. این چرخه، خود را در قالب‌های متفاوت بازتولید می‌کند اما در نهایت، نقطه گریز آن، غیاب امر انتقادی، نهادهای مستقل و آزادی فردی است.

در چنین اقلی، اندیشه آزادی نه در نفی سنت بلکه در بازخوانی انتقادی آن و نه در نفی غرب بلکه در انتخاب عقلانی آن، جایگاه خود را بازی می‌یابد. لیبرالیسم در معنای عمیق خود، پروژه‌ای است برای نهادهای کثرت، عقلانیت انتقادی و کرامت فرد؛ مفاهیمی که اگر در بستر تاریخی ایران بازاندیشی و بازتولید شوند، می‌توانند سرآغاز راهی نو باشند؛ راهی که در آن سنت، ابزار سلطه نمی‌گردد بلکه میدان گفت‌وگو، تأویل و بازسازی می‌شود.

شاید تنها از دل چنین بازاندیشی ریشه‌داری، نوعی لیبرالیسم ایران‌زمینی، منطبق با حکمت ایرانی و قابل زیست در جهان امروز سر برآورد. تنها در این صورت است که می‌توان از باتلاق تکرارهای تاریخی رهید و به افق جامعه‌ای باز، آزاد و خردورز امید بست.

پاسخ وزارتخانه اما آغازی شد بر موج تازه‌ای از پرسش‌ها و تحلیل‌ها در افکار عمومی و رسانه‌ها. سؤال مهمی که مطرح شد این بود: اگر دغدغه شفافیت و مقابله با فساد در میان است، چرا این دغدغه فقط در مورد برخی افراد و جناح‌ها مطرح می‌شود؟ چرا افشاگری تنها به کسانی محدود می‌شود که خارج از دایره هم‌فکران سیاسی برخی نمایندگان قرار دارند؟ مثال‌ها در این زمینه کم نیستند. سوده غفوری‌فرد، یکی از دریافت‌کنندگان جایزه بحث‌برانگیز «بانوان تأثیرگذار جهان» که در کنگره‌ای با میزبانی جمیله علم‌الهدی در دولت سیزدهم برگزار شد با جایزه‌ای یک میلیارد تومانی مورد تقدیر قرار گرفت. بعدها مشخص شد که او همسر آقای اخوان مدیرعامل همراه اول و دختر یکی از چهره‌های با سابقه اصولگراست. به گفته فاطمه حقیرالسادات، دبیر علمی کنگره بین‌المللی بانوان تأثیرگذار که بهمن ۱۴۰۱ برگزار شد، مبلغ ۲۰ هزار یورو، معادل یک میلیارد تومان به همراه یک گواهی از طرف کمیسیون ملی یونسکو نیز به هر یک از برندگان این کنگره اعطا شد.

نکته جالب آنکه هیچ یک از دلواپسان مجلس نه نطقی کردند و نه حتی پرسشی درباره نحوه اعطای این جایزه و شاخص‌های انتخاب مطرح شد. یا در مورد جنجال‌های مربوط به املاک کاظم صدیقی، امام جمعه موقت تهران، که حتی دستگاه قضایی نیز راجع به آن صحبت کرد، شاهد سکوت کامل افرادی چون ثابتی و هم‌جناحی‌هایش بودیم. اما پرسش کلیدی اینجااست: آیا این افشاگری واقعاً در مسیر شفافیت انجام شده یا بخشی از پروژه تسویه‌حساب سیاسی با تنها زن کابینه است؟

افشاگری با ابزار سیاست‌ورزی

دولت‌های پیشین نیز در معرض انتقاد بودند. مثلاً در دولت روحانی، پایداری‌ها سه بار برای استیضاح عباس آخوندی تلاش کردند اما موفق نشدند. با این حال، در دولت رئیسی، انتخاب مهرداد بذریاش به عنوان وزیر راه، بدون هیچ سابقه‌ای در حوزه شهرسازی، به راحتی انجام شد. چرا آن زمان کسی نگفت که فقدان تخصص مصداق ظلم به بیت‌المال است؟ فرزانه صادق‌امانه تنها از بدنه کارشناسی وزارت راه برخاسته بلکه پیشینه‌اش در مقابله با صدور مجوزهای غیرقانونی توسط شهرداری تهران، نشان از جسارت و سلامت او دارد. حتی زمانی که زاکانی شهردار شد، او را از معاونت شهرسازی کنار گذاشتند. اکنون حمله‌ها به او بیشتر شبیه انتقام‌گیری سیاسی است تا نظرات دلسوزانه.

این سکوت‌ها و صداها پیش از آنکه در خدمت شفاف‌سازی و مبارزه با فساد باشد، شائبه بهره‌برداری سیاسی از مفاهیمی چون «شفافیت» را تقویت می‌کند. به‌ویژه آنکه این سخنان علیه تنها وزیر زن دولت بیان شده است، آن هم درحالی که برخی گزارش‌ها نشان می‌دهد، جریان پایداری از ابتدا با حضور فرزانه صادق در دولت مخالف بوده‌اند. با یک سرچ ساده و آن‌طور که سایت فراز نقل کرده است، فرزانه صادق، معمار و شهرساز، در دولت قبل نیز سمت‌های مدیریتی در حوزه شهرسازی داشته و در دوره وزارت مهرداد بذریاش از پست خود کنار گذاشته شده بود. او یکی از معدود مدیرانی بود که به‌صراحت با مجوزهای ساخت‌وساز غیرقانونی شهرداری تهران مخالفت کرده و همین باعث شد به‌عنوان یکی از منتقدان جدی علیرضا زاکانی شناخته شود. در روز رأی اعتماد به کابینه نیز مشخص بود که صادق با حمایت ویژه رئیس‌جمهور به مجلس معرفی شده است. پزشکیان در صحن علنی گفته بود: «خانم صادق‌مالواجرد را



خود آقا گفتند باشد». پزشکیان در همین نطق دفاعیه نیز گفته بود: «می‌خواهم بگویم، هماهنگ شدیم اینجا آمدم شما از من بپذیرید. همه وزرای پیشنهادی هماهنگ شدند و آمدند. برخی‌ها که تفاهم نبود وارد لیست نکردیم».

در ماه‌های اخیر نمایندگانی مانند منان رئیسی، از چهره‌های مخالف سرسخت وزیر راه، به دنبال استیضاح او بودند و توانستند ۴۱ امضا هم جمع کنند. در این طرح، اگرچه ۸ محور برای نقد عملکرد وزیر راه ذکر شده، تنها یکی از آنها به حادثه‌ای نظیر انفجار بندر شهید رجایی مربوط می‌شود. سایر محورها بیشتر کلی‌گویی‌هایی دربار «عدم انجام تکالیف قانونی» یا «بی‌برنامگی در انتصابات» است که به‌سادگی می‌توان آن را به بسیاری از وزارتخانه‌ها نسبت داد. همچنین مجید نصیرپور، نماینده سراب که پیش‌تر نیز مخالف انتخاب فرزانه صادق به‌عنوان وزیر راه بود به خبرگزاری فارس گفته بود: جمعی از نمایندگان با توجه به مجموعه عملکرد وزیر راه در چند ماه گذشته به‌خصوص اتفاقات اخیر در حوزه مسئولیت این وزیر، تصمیم گرفتند که طرح استیضاح وی را تهیه و به جریان بیندازند. به گفته او: توزیع نامتوازن اعتبارات، مدیریت ضعیف در سطح کلان، استفاده از افراد چندشغله و انتصابات غیرموجه از محورهای این استیضاح است.

در واقع، آنچه از دل طرح استیضاح و سخنان منتقدان به دست می‌آید، این است که مخالفت‌ها با فرزانه صادق بیش از آنکه فنی و مبتنی بر عملکرد باشد، سیاسی و جناحی است. در این میان نمی‌توان نقش رقابت شکست‌خورده سعید جلیلی در برابر پزشکیان در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۳ را نادیده گرفت. ثابتی به‌عنوان چهره نزدیک به سعید جلیلی شاید درحال پاسخ دادن به شکست انتخاباتی جریان متبوعش در آوردگاه مجلس باشد.

وقتی افشاگری ابزار حذف می‌شود

به نظر می‌رسد دلواپسان غیرصادق، تنها در برابر رقبا شمشیر برهنه می‌کنند و در مقابل دوستان خود با چشمان بسته عبور می‌کنند. آنان که امروز از سفر خانوادگی یک وزیر گزارش می‌دهند، هیچ‌گاه درباره جواز میلیاردری، سفرهای دیپلماتیک خانوادگی یا زمین‌خواری‌های بزرگ لب به اعتراض نگشودند. آنچه در رفتار امثال ثابتی دیده می‌شود نه وجدان بیدار نماینده ملت بلکه استفاده ابزاری از تریبون خانه ملت برای

مجلس، سنگر مردم یا محل نزاع سیاسی؟

تسویه‌حساب سیاسی است. ثابتی، مجری سابق و نماینده فعلی، به‌جای آنکه شفافیت را برای همه مطالبه کند، آن را علیه رقیب سیاسی به کار می‌گیرد.

تسویه‌حساب سیاسی است. ثابتی، مجری سابق و نماینده فعلی، به‌جای آنکه شفافیت را برای همه مطالبه کند، آن را علیه رقیب سیاسی به کار می‌گیرد.

تسویه‌حساب سیاسی است. ثابتی، مجری سابق و نماینده فعلی، به‌جای آنکه شفافیت را برای همه مطالبه کند، آن را علیه رقیب سیاسی به کار می‌گیرد.

تسویه‌حساب سیاسی است. ثابتی، مجری سابق و نماینده فعلی، به‌جای آنکه شفافیت را برای همه مطالبه کند، آن را علیه رقیب سیاسی به کار می‌گیرد.

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

ترجمان مرگ، حضور جاودانه انسان در محضر خداست

برادر ارجمند؛ جناب آقای علی محمد نمازی

ضایعه درگذشت پدر همسر گرامی جنابعالی مرحوم مانده‌علی سلیمیان باعث تاثر و تالم فراوان گردید.

بدین‌وسیله مراتب تسلیت ما را پذیرا باشید.

برای ایشان، رحمت و غفران واسع‌ه الهی و برای شما و خاندان معزز، صبر و شکیبایی مستثلت داریم.

شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی ایران

كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ

هم‌اندیش ارجمند

جناب آقای پیمان سویدانلویی

عضو محترم شورای استان خراسان‌شمالی
حزب کارگزاران سازندگی ایران

مراتب تسلیت ما را در فقدان پدر گرامی‌تان پذیرا باشید.

روحشان قرین رحمت واسعه الهی و
خلد برین سرائشان باد.

روابط عمومی حزب کارگزاران سازندگی ایران



سال هشتم شماره ۱۹۷۳
سه‌شنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۴

بررسی تحولات جهان

افق

غنی‌سازی قابل مذاکره نیست

سخنگوی وزارت خارجه، موضوع غنی‌سازی را بخشی از چرخه طبیعی صنعت هسته‌ای ایران و غیرقابل مذاکره خواند

اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت خارجه در نشست خبری هفتگی خود ضمن گرامیداشت یاد شهید حسین امیرعبداللهیان، وزیر خارجه پیشین ایران گفت: شهید امیرعبداللهیان یک الگو و اسوه در حوزه اخلاق، تواضع و مسئولیت‌پذیری بود. وی همچنین با اشاره به برخی از اقدامات وزارت خارجه در دورانی که شهید امیرعبداللهیان مسئولیت آن را بر عهده داشت ازجمله عضویت ایران در سازمان‌های بریکس و شانگهای گفت: شهید امیرعبداللهیان، نقش مهمی در عرصه مقاومت فلسطین و منطقه داشت.

غنی‌سازی امر فانتزی نیست که متوقف یا تعلیق شود

سخنگوی دستگاه دیپلماسی کشورمان در ارتباط با موضوع غنی‌سازی در ایران تأکید کرد: موضوع غنی‌سازی به عنوان بخشی از چرخه طبیعی صنعت هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران به هیچ عنوان قابل مذاکره نیست. غنی‌سازی یک امر فانتزی نیست که از ایران بخواهیم متوقف یا تعلیق کند. سخنگوی وزارت خارجه در این زمینه تصریح کرد: غنی‌سازی یک فناوری و یک نیاز است برای اطمینان از اینکه صنعت هسته‌ای ایران بدون وقفه به کار خود ادامه خواهد داد و نتیجه دهه‌ها زحمت و تلاش و

خون دانشمندان هسته‌ای ماست؛ بنابراین هم حقی است که طبق معاهده منع اشاعه ایران از آن برخوردار است و هم حاصل زحمت دانشمندان ایرانی است که به هیچ عنوان نمی‌شود از آن گذشت لذا موضع ما در این زمینه خیلی روشن و صریح بیان شده است.

آمریکا نمی‌تواند برای حق غنی‌سازی یک کشور مجوز صادر کند

بقایی در بخش دیگری از سخنان خود تأکید کرد: ما در مورد غنی‌سازی در داخل خاک ایران از کسی اجازه نمی‌گیریم و آمریکا در جایگاهی نیست که در مورد حق یک کشور در ارتباط با این موضوع که در معاهده منع اشاعه نیز آمده است، بخواهد مجوز صادر کند یا نه. به گزارش ایسنا، وی افزود: این سفسطه آگاهانه و برای تحریف افکار عمومی است که گفته می‌شود هر کشوری به دنبال غنی‌سازی است به دنبال اهداف غیرصلح‌آمیز است چراکه کشورهایی وجود دارند که غنی‌سازی انجام می‌دهند ولی سلاح هسته‌ای ندارند. وی با تأکید مجدد مبنی بر اینکه «برنامه هسته‌ای ایران کاملاً صلح‌آمیز است و موضوع غنی‌سازی حقی است که در معاهده منع اشاعه نیز به رسمیت شناخته شده است»، گفت: از طرف دیگر شما نمی‌توانید در عین حال



ممکن است به صورت روزافزون در آینده نیازمند انرژی هسته‌ای باشد و بد نیست که کنسرسیومی با مشارکت کشورهای منطقه در این زمینه ایجاد شود. وی گفت: اگر چنین ابتکاری وجود داشته باشد ما از آن استقبال کرده و می‌توانیم مشارکت کنیم. البته باید این موضوع را در نظر بگیریم که این نمی‌تواند جایگزینی برای غنی‌سازی در داخل ایران باشد و اگر نیت از طرح این موضوع این باشد که غنی‌سازی در ایران انجام نشود و ما از آن منصرف شویم چنین اتفاقی نخواهد افتاد.

زمان مذاکرات دور پنجم مشخص نیست

سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران تأکید کرد تا این لحظه هنوز زمان و مکان دور بعدی مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا مشخص نشده است.

شرق آسیا

اتهام به اون

آیا دیوان کیفری بین‌المللی رهبر کره شمالی را به ارتکاب جنایت جنگی محکوم می‌کند؟

سونگ سانگ هوین، دادستان سابق دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) در یک کنفرانس خبری در سننول ادعا کرد که کیم جونگ اون به دلیل حمایت از جنگ روسیه علیه اوکراین می‌تواند با تحقیقات جنایت جنگی در دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) روبه‌رو شود. رئیس سابق دیوان کیفری بین‌المللی که خود شهروند کره جنوبی است، افزود: اکنون بهترین زمان است که رهبر کره شمالی را به پای میز محکمه کشاند. براساس این گزارش در حالی سونگ این سخنان را مطرح کرده است که کره شمالی ماه گذشته برای نخستین بار به شکل رسمی اعزام نیرو به روسیه را برای حمایت از مسکو در جنگ علیه اوکراین تأیید کرد. رئیس سابق دیوان کیفری بین‌المللی مدعی شد: با وجود نقض حقوق بشر در کره شمالی توسط کیم هنوز در این ارتباط (پرونده‌ای) به دیوان کیفری بین‌المللی ارجاع نشده؛ اما بنابر معیارهای قانونی در مورد جنگ اوکراین، زمینه لازم برای پیگیری چنین پرونده‌ای در دیوان کیفری بین‌المللی علیه رهبر کره شمالی فراهم شده است. سونگ با بیان اینکه اوکراین براساس موارد قانونی می‌تواند علیه کره شمالی به ثبت شکایت در دیوان کیفری بین‌المللی اقدام کند، گفت: اکنون زمان مناسبی است که کیم را به دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) بکشانیم. وی همچنین از دیوان کیفری بین‌المللی خواست تا به آنچه که وی جنایات جنگی رهبر کره شمالی و همدستان نامید به‌طور فعال‌تری اقدام کند. این درحالی است که کره شمالی در تاریخ دوشنبه هشتم اردیبهشت جاری برای اولین بار تأیید کرد که براساس پیمان دفاعی مشترک با مسکو، نیروهای نظامی خود را برای حمایت از روسیه در جنگ علیه اوکراین اعزام کرده است.

یونهایپ



که متحد شما در منطقه از سلاح‌های کشتار جمعی و هسته‌ای برخوردار است و اقدام به اشغالگری می‌کند، آن را نادیده بگیرید و از کشوری که عضو معاهده منع اشاعه است و سابقه هیچ‌گونه تعرضی ندارد و برنامه هسته‌ای‌اش صلح‌آمیز است، انتظار داشته باشید که برنامه هسته‌ای خود را تعطیل کند. این یک درخواست غیرمنطقی و غیرقانونی است.

هیچ‌گاه موضوع کنسرسیوم را مطرح نکردیم

سخنگوی وزارت خارجه همچنین در ارتباط با موضوع کنسرسیوم هسته‌ای گفت: ما هیچ‌گاه موضوع کنسرسیوم را مطرح نکردیم در عین حال که موضوع جدیدی نیست و از دو دهه قبل که مباحث مذاکراتی مطرح بوده در ارتباط با این موضوع بحث و صحبت شده که یک توجیه آن این است که منطقه غرب آسیا



اوکراین نگران است؟

آنچه در این میان باید مورد توجه قرار بگیرد این است که ما در اثنای گفت‌وگوی ترامپ و پوتین شاهد تحرک سیاسی از سوی اتحادیه اروپا هستیم که این امر نشان از آن دارد که نگاه بروکسل و واشنگتن در قبال ختم جنگ در اوکراین به صورت واضح با یکدیگر فاصله دارد اما در این میان اوکراین هم به نوع خود نگران است. باید توجه داشت که روز یکشنبه جیدی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا در رم درحالی با ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین دیدار کرد که دولت دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا همچنان برای دستیابی به آتش‌بس در جنگ اوکراین در تکاپو است. این دیدار که در محل اقامت سفیر آمریکا برگزار شد و مارکو رویسو، وزیر امور خارجه آمریکا هم در آن حضور داشت، هم‌زمان با حضور رهبران جهانی در مراسم عشاء ریانی پاپ لئو چهاردهم انجام شد. اگرچه دفتر ونس جزئیات زیادی از این دیدار منتشر نکرد اما زلنسکی در پستی در تلگرام این دیدار را نشست خوبی توصیف کرد. زلنسکی در این پست نوشت: فشار بر روسیه باید ادامه یابد تا زمانی که آماده توقف جنگ شود و افزود که او آمادگی اوکراین برای دیپلماسی واقعی را دوباره تأیید کرد و بر اهمیت آتش‌بس کامل و بدون قیدوشرط در سریع‌ترین زمان ممکن تأکید کرد. واشنگتن‌پست در گزارش اخیر خود با اشاره به وضعیت فعلی پرونده اوکراین و نوع نگاه واشنگتن به آن نوشت: «ترامپ به روشنی اعلام کرده که درباره شرایط پایان جنگ در اوکراین با پوتین گفت‌وگو خواهد کرد اما کیف و مسکو هنوز فاصله زیادی درباره تعریف یک توافق منصفانه دارند». در همین حال ارتش اوکراین



فرشاد گلزاری

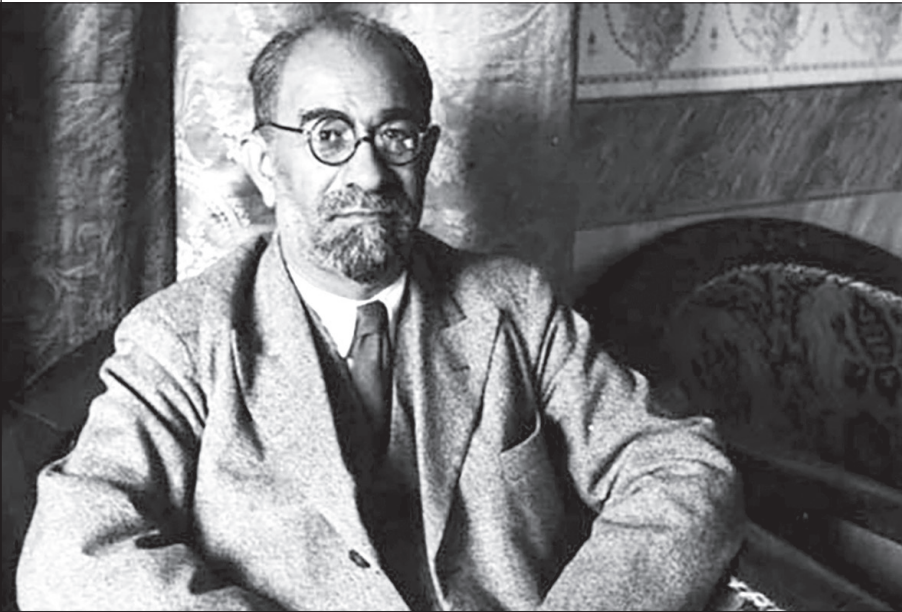
گروه بین‌الملل

پرونده اوکراین این روزها به یک کلاف سردرگم تبدیل شده که ابعاد پیچیده آن صرفاً به اختلاف و جنگ میان اوکراین و آمریکا مربوط نمی‌شود بلکه حالا از یک‌سو ایالات‌متحده به رهبری دونالد ترامپ به دنبال تأمین منافع خود بوده و از سمت دیگر اتحادیه اروپا هم علاوه بر نگرانی‌های سیاسی و ژئوپلیتیکی که دارد، نگران آن است تا تهدید روسیه علیه این بلوک سیاسی - اقتصادی روز به روز افزایش پیدا کند. در این مسیر، شورای وزیران ایتالیا (دوشنبه) اعلام کرد که رهبران ایتالیا، انگلیس، آلمان و فرانسه در تماس تلفنی با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا به رایزنی درباره وضعیت اوکراین پرداختند. این رایزنی پیش از تماس تلفنی ترامپ با ولادیمیر پوتین همتای روس خود انجام شده که بنا بود، دوشنبه انجام شود. در این خصوص شورای وزیران ایتالیا اعلام کرد: جورجیا ملونی، نخست‌وزیر ایتالیا بر حمایت ایتالیا و شرکای اروپایی و غربی از تلاش‌های رئیس‌جمهور ترامپ برای رسیدن به صلح عادلانه و پایدار در اوکراین و اهمیت آتش‌بسی فوری و بی‌قیدوشرط تأکید کردند. این بیانیه می‌افزاید: نخست‌وزیر در پایان از اراده اوکراین برای مشارکت در گفت‌وگوها استقبال کرده و ابراز امیدواری کرد که مسکو به طور جدی در تماس‌های مستقیم میان رهبران اوکراین و روسیه در مذاکراتی شرکت کند که منجر به صلح خواهد شد. این درحالی است که رئیس‌جمهور آمریکا (شنبه) با انتشار پیامی در شبکه اجتماعی تروث سوشال اعلام کرد که قصد دارد (دوشنبه) با رؤسای‌جمهور روسیه و اوکراین همچنین با مقامات ناتو تماس تلفنی برقرار کند تا زمینه‌ای برای پایان جنگ اوکراین فراهم شود. ترامپ در این پیام نوشت که گفت‌وگوی او با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور با محور «توقف حمام خون» جاری در جنگ اوکراین و مسائل تجاری خواهد بود. رئیس‌جمهور آمریکا در ادامه افزود که پس از تماس با پوتین، با ولودیمیر زلنسکی رئیس‌جمهور اوکراین نیز گفت‌وگو خواهد کرد و در ادامه به همراه او با اعضای ناتو رایزنی خواهد داشت. ترامپ در پایان این پیام ابراز امیدواری کرد که این تماس‌ها منجر به برقراری آتش‌بس شود و به گفته او، «این جنگ بسیار خشن که هرگز نباید آغاز می‌شد» به پایان برسد.

وبترین: تازه‌های کتاب

ایستادن پای ایران

نگاهی به رمان **سرو، سپید... سرخ** نوشتهٔ جهانگیر شهلائی



محمد مهدی سرفرازشکوهی

پژوهش‌گر تاریخ و اندیشه

کتاب «سرو، سپید...سرخ» نوشتهٔ جهانگیر شهلائی، داستان روزهای پسر التهاب شهریور ۱۳۲۰ از منظر و نگاه ماجراهایی است که بر محمدعلی فروغی رفته یا فروغی رقم زده است. این کتاب در ۲۰ بخش و یک زمزمهٔ پایانی سامان داده شده و از روزهای ایزنوی ۶ ساله فروغی بعد از خانه‌نشینی و تحقیر او توسط رضاشاه که باعث پناه بردن ذکاءالملک به فرهنگستان و تصحیح متون ادبی کلاسیک و پناه بردن به خانه و خانواده و فرزندان که همگی زخم‌خورده و کینه‌رده از رضاشاه هستند، آغاز و با نجوا و نطق‌های فروغی در صحن مجلس هنگام سپردن سلطنت از پهلوی اول به پهلوی آخر که منجر به حفظ یکپارچگی ایران شد و پناه بردن به دامان خیالی مادر که در تمام طول داستان به کنایه از او روی برگردانده است و بعد از اقبال او به ایران، مادر نیز به او التفات می‌کند به پایان می‌رسد.

ایستادن فروغی پای ایران امری نیست که بشود با تسامح و سردستی از کنار آن گذشت؛ چه آن‌جایی که در این داستان مقابل جوانک کمونیست، منشی‌زاده، می‌ایستد و در جمله‌ای تاریخی به او می‌گوید: «راه من از شما جداست زیرا شما خواب پیروزی در لنین‌گراد می‌بینید اما برای من جنگ از ارس است تا بوشهر.» چه آن‌جا که بعد سال‌ها توسط محمود جم مطلع می‌شود، اعلی‌حضرت مغرور مشتاق به تماس و صحبت با اوست که با واکنش تلخ فرزندان‌ش خاصه دخترش (که زخم خورده کینهٔ رضاشاهی در خانوادهٔ همسر خویش است) مواجه می‌شود اما برای ایران یا پادشاه ۶۴ ساله همیشه در حال جنگ و نبرد حاضر به صحبت می‌شود. صحنهٔ تماس رضاشاه با فروغی در این کتاب بی‌شباهت به صوت به یادگار ماندهٔ تماس محمدرضا پهلوی در زمستان ۱۳۵۷ با علی امینی نیست و شاید اصلاً از همان هم الهام گرفته شده باشد، از دست و پا زدن‌های آخر یک دیکتاتور که حتی لحن درددل‌هایش نیز بوی تحکم دارد، هرچند تحکمی کم نشیده و فروریخته باشد، به‌واسطهٔ نداشتن ملت و از دست دادن سرمایهٔ اجتماعی و آب شدن کوه اقتدار شاهنشاهی.

نویسنده سعی می‌کند با گوشه و کنایه و با آوردن استعارات گوناگون هم فرسودگی درباریان رضاشاهی و هم درماندگی شخص رضاشاه را به تصویر بکشد؛ از چکایی که ذکاءالملک قبل از دیدار با شاه انجام می‌دهد، درحالی که ذهنش با خیل کودکائی است که به خاطر نبود ساده‌ترین امکانات پزشکی از دست می‌روند و او با ۶۵ سال سن هم‌چنان باید مرتب تحت‌نظر باشد و کهولت را به ریش‌خند می‌گیرد: «آدمیزاد به جایی می‌رسد که چهارستون بدنش سرباست اما هیچ جایش هم مثل قبل درست کار نمی‌کند.» یا آن‌جایی که دلیل بقای جم را در دستگاه سلطنتی به‌رغم حذف همهٔ نزدیکان و معتمدان رضاشاه، نه تسلط یا سلامت او که اعتقاد و ایستادگی جم بر عمل‌گرایی ایرانی توصیف می‌کند، غیرمستقیم هزینهٔ سنگین سلامت در بافتار سنتی حکمرانی ایران را به چالش می‌کشد. در نقطهٔ عطف ماجرا دیدار فروغی با رضاشاه پس از ۶ سال تصویر می‌شود؛ آن‌جایی که شاه با همهٔ پاد و بود خویش ملت‌مسانه از ذکاءالملک می‌خواهد، کار تشکیل کابینه و نخست‌وزیری را برعهده بگیرد و

فروغی در جواب با تیزهوشی برآمده از تسلط غریبش بر میراث ادب فارسی با استفاده از تمثیل و تشبیه هم بی‌وفایی شاه و هم گلابهٔ خویش را پیش می‌کشد که: «این‌ها که لطف شماست، اعلی‌حضرت اما مرا عذر به تقصیر دارید. نه جانش را دارم برای این اوضاع و نه روحیه‌اش را.»

فروغی سرانجام می‌پذیرد که تا سامان دادن به کار نخست‌وزیری را بپذیرد اما زدن کنایه و پیش کشیدن ناچوانمردی که از سمت دربار بر او رفته همراه با سکوت تلخ و همراهانهٔ موکلان ملت در مجلس فرمایشی شورای ملی، نکته‌ای نیست که در خلال داستان از چشم نویسنده کتاب پنهان بماند: «مراسم حاضر شدن روز روز صبحش را که شامل اصلاح دقیق و پوشیدن بهترین و مرتب‌ترین لباس ممکن بود، به نیم ساعت تقلیل داد. نه فقط به دلیل کمبود وقت بلکه به دلیل کمبود حوصله. برنامهٔ روزانه که شب قبل تأیید شده بود را مرور کرد. قرار بود سهیلی رأس ساعت ۷ به دیدار سفرای انگلیس و شوروی برود و ساعت ۸ به خانهٔ او بیاید، بعد به مجلس شورای ملی در بهارستان بروند برای گرفتن رأی اعتماد. فروغی خوب می‌دانست که رأی اعتماد در آن اوضاع کاملاً نمایشی است. حتی همین که سهیلی را، وزیری که هنوز رأی اعتماد نگرفته، به دیدن سفرای بفرستد هم غیرقانونی بود و همین هم عذابش می‌داد. نمی‌خواست و نمی‌توانست در چنین شرایطی رئیس هیأت وزرایی باشد که تأیید قانون هرچند نمایشی را نگرفته. پس در همین حال هم باید به دیدن وکلا می‌رفت؛ همان عدهٔ قلیل از پله قربان‌گوهایی که اجازه داده بودند، شرف‌خودشان و قانون مشروطه در همین ۶ سال اخیر به فنا برود و دم نزنند.» مسألهٔ ایران و عظمت آن و ضرورت بقای آن فراز دیگری از دغدغه و تلاش شهلائی جهت نشان دادن ارزش تاریخی کار فروغی است، آن‌جا که در اولین نطق خویش در مجلس شورای ملی به عنوان نخست‌وزیر با یادآوری مجدد همهٔ مصیبت‌هایی که بر او گذشته است و نامالایماتی که بر او رفته باز دست از ایران نمی‌کشد و سخنان ماندگار خویش را این‌گونه به پایان می‌برد: «اما من این‌جا هستم تا عهده‌ای با همهٔ شما ببندم که یک وجب از این خاک به دست اجنبی سپرده نخواهد شد که تمام شما نوابیس و خانواده من هستید و تا پای جان از آرامش و شرف تک تک شما دفاع خواهم کرد. من، ذکاءالملک فروغی، خدمت‌گزار ایرانسم و می‌دانم این خاک از این روزها کم ندیده است... این‌ها می‌آیند و می‌روند و حوانجی دارند. آن‌چه می‌ماند، ایران است.» نویسنده جمله طلایی خویش را در انتهای همین فصل از قول فروغی می‌آورد که: «و آزادی هیچ‌وقت از دل اشغال اجنبی بیرون نمی‌آید.»



سرو، سپید...سرخ
جهانگیر شهلائی
نشر چترنگ
۲۵۱ صفحه
۳۱۰ هزار تومان

نشانه همبستگی ملی

سخنرانی ژاله آموزگار در نشست پاس داشت زبان فارسی

برتری اقتصادی و تجاری نیز در تبدیل یک زبان به زبان قالب و تسلط آن تأثیرگذار است. در اکثر موارد، زبان‌هایی که با تسلط قوم غالب از میان می‌روند، سابقهٔ نوشتاری قوی ندارند. در مقابل، زبان‌هایی که ماندگار شده‌اند به دلیل پیشینه فرهنگی قوی و ریشه‌دار و سابقه علمی و نوشتاری پرریار بوده‌اند. زبان رسمی ما نیز در طول تاریخ بارها مورد هجوم اجتماعی و تهاجم‌های پر قدرت از سوی زبان‌ها و باورهای متفاوت قرار گرفته است اما خوشبختانه از همه این آزمون‌ها سر بلند بیرون آمده و پابرجا مانده است. هر یک از این یورش‌ها می‌توانست به آسانی زبان ملی را از ما بگیرد ولی این زبان به آرامی و بدون اعمال هیچ‌گونه خشونت، تنها در سایهٔ فرهنگ ریشه‌دار و نوشته‌های پر محتوای خود، توانست قلمروهای گسترده‌ای را فتح کند.

آموزگار در ادامه به مسیر تاریخی زبان فارسی اشاره کرد و گفت: «آن‌چه اهمیت دارد این است که این زبان تنها یک زبان محاوره‌ای نبود بلکه تأثیرگذار بود زیرا بیان‌گر اندیشه بود و به همین دلیل از میان نرفت و پایمال نشد. این زبانی بود که با سروده‌های ژرف اوستا جاری شد، همان زبانی که با خط میخی بر سنگ‌نوشته‌ها نقش بست و از ورای نوشته‌ها، تاریخ حکومت هخامنشی، نام‌جای‌های ایالت‌ها و جای‌جای این ایران بزرگ را برای آیندگان به یادگار گذاشت و بر سکه‌ها جا گرفت. پس از یورش اسکندر و در دوران تسلط سلوکیان در برابر زبان یونانی که در حال تبدیل شدن به زبان حکومتی بود، زبان فارسی خود را حفظ کرد. از میان آثار دورهٔ میانه، قامت برافراشت و با ظهور در متون پارسی، استحکام بیشتری یافت. در دوران حکومت پرتوان ساسانیان، این زبان بر صخره‌ها و سنگ‌نوشته‌های ساسانی نقش بست. در قالب زبان پهلوی جنوبی و در کنار پهلوی اشکانی به شکلی نوتر درخشید و با کتیبهٔ شاپور یکم، جغرافیای سیاسی آن عصر را بازگو کرد. هم‌چنین در کتیبهٔ کرتیر، سیاست‌های دینی آن دوران را آشکار ساخت. سپس در آثار مکتوب پهلوی ساسانی پیش‌روی کرد و به زبانی فلسفی بدل شد. با قدرت تمام، جایگاه خود را در متونی مانند دین‌کرد تثبیت کرد و عظمت فکری و ادبی خود را به نمایش گذاشت. هنگامی که زبان فارسی در تقابل با زبان عربی قرار گرفت- زبانی که همراه با دین مبین اسلام و

ژاله آموزگار در سخنرانی خود در نشست پاس داشت زبان فارسی و بزرگداشت فردوسی در تالار فردوسی دانشگاه تهران به راز ماندگاری زبان فارسی اشاره کرد و گفت: «برخلاف دیگر سرزمین‌های تحت حکومت اسلامی که زبان عربی را به طور کامل پذیرفتند، ایرانیان اسلام را پذیرفتند اما زبان فارسی را از دست ندادند. ایرانیان نه تنها واژه‌هایی از عربی جذب کردند بلکه بسیاری از واژه‌های اصیل فارسی را نیز به زبان عربی اهدا کردند.»

آموزگار سخنانش را این‌طور آغاز کرد: «در آغاز بهتر است این موضوع یادآوری شود که زبان فارسی به هیچ منطقه خاصی تعلق ندارد بلکه متعلق به همهٔ مردم ایران است؛ از خراسان تا خوزستان، از آذربایجان تا سواحل دریای خزر و کرانه‌های مکران و خلیج فارس. در هر نقطه از این سرزمین، این زبان در کنار زبان‌ها و گویش‌های متنوع، همهٔ ما را به یکدیگر پیوند می‌دهد و فرهنگ و تاریخ مشترک ما را شکل می‌دهد. در همهٔ کشورهایی که فرهنگ تثبیت شده دارند، تنوع اقوام و گویش‌ها وجود داشته است. با گذشت زمان، این اقوام به ملتی واحد تبدیل شدند و ضمن حفظ زبان‌ها، گویش‌ها و سنت‌های خود با زبانی یکسان با یکدیگر و با جهان تعامل برقرار کردند.

ایسن جهانی که در آن زندگی می‌کنیم با همهٔ گستردگی و بی‌کرانگی‌اش در سایهٔ پیشرفت‌های برق‌آسای فناوری، رفته‌رفته به دهکده‌ای کوچک جهانی تبدیل می‌شود. با همین فناوری، می‌دانیم که در همین جهان پهناور، زبان‌های متعددی رواج داشته‌اند اما زبان‌هایی که در محیط‌های کوچک مورد استفاده قرار می‌گیرند، کم‌کم در هم ادغام می‌شوند و تعداد آن‌ها کاهش می‌یابد. هم‌چنین با گسترش رسانه‌ها، روزبه‌روز از تعداد زبان‌ها کاسته می‌شود. در این راستا، زبان‌های غالبی وجود دارند که زبان‌های دیگر را می‌بلعند. این زبان‌ها چه زبان‌هایی را در برمی‌گیرند، چه زبان‌هایی را می‌بلعند و تحت چه شرایطی بر زبان‌های دیگر غلبه می‌کنند؟ کدام زبان‌ها باعیده می‌شوند و کدام زبان‌ها مقاومت می‌کنند؟ آن‌چه باعث تسلط و غلبهٔ یک زبان بر زبان رسمی سرزمینی دیگر می‌شود، با عامل سیاسی است، یا عامل دینی و گاهی ترکیبی از هر دو. پیشرفت‌های فناوری، دانش، ثروت و

نقد سریال

ظهور هیولای درون

نگاهی به سریال **وحشی** به کارگردانی هومن سیدی

فرزانه متین

گروه سینما، تئاتر و تلویزیون

هومن سیدی از کارگردانان جوان کشور محسوب می‌شود که اگر هم به او عنوان کارگردان کی‌کار از آثار برجسته سینما لقب داده نشود، می‌توان ردپایی از سکانس‌های فیلم‌های خارجی را در آثار وی دید. دو اثر اخیر سیدی جزو آثار تحسین‌برانگیز بودند. سریال پرتعدادر «قورباغه» از سریال‌های جنایی و معمایی شمرده می‌شد که از پلتفرم نماوا پخش شد و قسمت اولش برداشت آزادی از یکی از پربیننده‌ترین فیلم فرانسوی، «نفرت» بود و فیلم «جنگ جهانی سوم» که به دلایل نه‌چندان مشخص، اکران عمومی نشد که کی‌ی دسته‌چندم از آثار مستقل اصطلاحاً هنری سینمای اروپا به شمار می‌رفت. حالا سیدی دوباره نامش با سریال نمایش خانگی «وحشی» که از پلتفرم فیلم‌نت پخش می‌شود بر سر زبان‌ها افتاده است.

پخش سریال «وحشی» از ۲۵ فروردین شروع شده که با الهام از شخصیت واقعی «علی‌اشرف پروانه» ساخته شده است. علی‌اشرف پروانه که بیشتر با لقب علی کرده در رسانه‌ها و میان مردم شناخته می‌شود، یکی از مجرمان خطرناک ایرانی است که در اواسط دهه ۷۰ به تهران آمد و ابتدا در شرق تهران اقامت گزید. کارگری و بنایی پیشه او بود. بعدها به واسطه فشار مالی و روحی به ویژه برای خاطر پرداخت دیه به همراه چند تن دیگر به سرقت‌های مسلحانه روی آورد. سرقت‌هایی که به گفته خودش بدون سلاح انجام می‌گرفت اما با کشف سلاح گرم در محل زندگی وی، حضور او در سرقت‌های مسلحانه قطعی می‌شد. نهایتاً او در سال ۱۳۸۱ پس از چندین سرقت توسط پلیس دستگیر و پس از بازجویی‌های گسترده به اعدام محکوم شد. اما بعدتر این حکم به ۳۰ سال زندان کاهش یافت.

او دو فرار جنجالی از زندان داشته است. در زندان رجایی‌شهر، علی‌اشرف با همکاری دو زندانی دیگر به نام‌های اردشیر و صدیق،

نقشه‌ای بسیار دقیق و پیچیده برای فرار طراحی کرد. آنها طی بیش از ۳ سال با قاشق و چنگال تونلی حفر کردند تا بتوانند به سالن اجتماعات زندان برسند. برای عبور از تونل تگ حتی رژیم غذایی سختی گرفتند تا به شدت لاغر شوند. سرانجام خرداد ۱۳۸۴ با پوشیدن لباس‌هایی یکسره از پلاستیک وارد کانال شده و موفق شدند از طریق سالن اجتماعات از نخستین حلقه امنیتی زندان خارج شده و فرار کنند اما دوباره به دلیل سرقت‌های مجدد، پس از ۶ ماه، بار دیگر به زندان بازگشتند.

هومن سیدی در مقام فیلم‌نامه‌نویس فقط در برخی از موارد از این داستان واقعی الهام گرفته و مابقی داستان زاینده تخیل اوست. ماجرای سریال درباره داود اشرف، کارگر معدنی است که دنبال لقمه نانی حلال است که روزی دلسوزی‌اش کار دستش می‌دهد و وارد



خدا حافظی پس از ۲۶ سال

گری لینه‌کر فوتبالیست و مجری شاخص
از اجرا در بی‌بی‌سی کناره‌گیری کرد

بی‌بی‌سی تعلیق شد. با این حال استعفای دسته‌جمعی تمام کارشناسان و عوامل برنامه، رسانه دولتی انگلیس را وادار کرد مجری قدیمی را به سر کار خود برگردانند. او فوریه امسال از بی‌بی‌سی خواست مستندی درباره غزه را بازپخش کند؛ با این حال این مستند به دلیل ارتباط پدر راوی ۱۴ ساله‌اش با دولت حماس از بخش اینترنتی بی‌بی‌سی حذف شد. طبق گزارش‌های وزارت بهداشت غزه (که توسط گروه حماس اداره می‌شود) حملات ویرانگر رژیم صهیونیستی به نوار غزه طی ۲ سال گذشته به شهادت بیش از ۵۳ هزار شهروند فلسطینی منجر شده و جنگ همچنان ادامه دارد.

لینه‌کر که سال گذشته ۱.۴ میلیون پوند از بی‌بی‌سی دریافت کرده بود و یکی از پردرآمدترین مجری‌های بی‌بی‌سی به حساب می‌آید ظاهراً پیش‌تر تصمیم به ترک برنامه «مسابقه روز» در پایان فصل گرفته‌بود اما همچنان قرار بود، مجری پوشش تورنمنت‌های بزرگ آینده باشد. یکی از منابع مطلع به روزنامه سان گفته است: «او خودش پیشنهاد داد که در پایان فصل کنار برود چراکه نمی‌خواست بی‌بی‌سی را که هنوز برایش احترام زیادی قائل است، وارد جنجال‌های بیشتر کند».

بی‌بی‌سی هنوز به صورت رسمی در این باره اظهارنظر نکرده اما گزارش‌ها حاکی است که از فصل آینده، مسئولیت اجرای برنامه «مسابقه روز» (Match of the Day) به‌طور مشترک بر عهده گبی لوگان، کلی کیتس و مارک چپمن خواهد بود.

این نخستین بار نیست که حضور لینه‌کر در بی‌بی‌سی با چالش مواجه می‌شود. در مارس ۲۰۲۳ نیز او به دلیل انتقاد از سیاست‌های مهاجرتی دولت محافظه‌کار بریتانیا به‌طور موقت از آنتن بی‌بی‌سی کنار گذاشته شد؛ اقدامی که واکنش‌های تندی در پی داشت.

همچنین در فوریه گذشته، او در جمع ۵۰۰ چهره فرهنگی قرار داشت که از بی‌بی‌سی خواسته بودند، مستند «غزه: چگونه در یک منطقه جنگی زنده بمانیم» را دوباره پخش کند.

با خروج لینه‌کر، نه‌تنها یک دوره طلایی در تاریخ برنامه‌های ورزشی بی‌بی‌سی به پایان می‌رسد بلکه موضوع مسئولیت‌پذیری چهره‌های رسانه‌ای در شبکه‌های اجتماعی و تفسیرهای سیاسی از رفتارهای آنلاین بار دیگر در مرکز توجه افکار عمومی و رسانه‌ها قرار می‌گیرد.

لینه‌کر همراه با تیم ملی انگلستان در دو جام جهانی ۱۹۸۶ مکزیک و ۱۹۹۰ ایتالیا حاضر بود. وی در جام جهانی ۱۹۸۶ مکزیک با ۶ گل زده آقای گل این مسابقات شد. بزرگ‌ترین موفقیت او در جام جهانی ۱۹۹۰ در ایتالیا به دست آمد که تیم ملی انگلیس به همراه او تا مرحله نیمه‌نهایی پیش رفت و تنها در این مرحله بود که با شکست از تیم ملی آلمان در ضربات پنالتی از رسیدن به فینال مسابقات بازماند. او در اولین بازی مرحله گروهی این جام یکی از دنده‌هایش شکست اما با این وجود در بقیه بازی‌های تیمش به میدان رفت و ۳ گل دیگر هم به ثمر رساند. لینه‌کر که در طول دوران فوتبالش هرگز کارت زردی دریافت نکرد، در ۸۰ بازی که برای تیم ملی انگلیس انجام داد ۴۸ گل وارد دروازه حریفان کرد. وی در سال‌های ۱۹۸۶ و ۱۹۹۲ مرد سال فوتبال انگلیس شد.

گری لینه‌کر، مجری سرشناس برنامه «مسابقه روز» و یکی از چهره‌های مطرح رسانه‌ای بریتانیا، قرار است این هفته و پس از ۲۶ سال همکاری از بی‌بی‌سی جدا شود. فشارهای رسانه‌ای علیه او به دلیل بازنشر یک محتوای آنلاین با مضمون یهودستیزانه حتی پس از عذرخواهی هم ادامه پیدا کرد و لینکر پس از برنامه یک‌شنبه از سمت خود کناره‌گیری می‌کند.

گری لینه‌کر، فوتبالیست سابق تیم ملی انگلستان و یکی از محبوب‌ترین چهره‌های تلویزیونی این کشور در آستانه کناره‌گیری از بی‌بی‌سی قرار دارد. به گزارش منابع نزدیک به این مجری ۶۴ ساله، او به‌زودی به‌طور رسمی اعلام خواهد کرد که پس از سال‌ها مجری‌گری در برنامه فوتبال هفتگی «مسابقه روز» شبکه بی‌بی‌سی را ترک می‌کند.

براساس گزارش‌ها، لینه‌کر دیگر در پوشش رقابت‌های جام حذفی ۲۶ - ۲۰۲۵ یا جام جهانی ۲۰۲۶ شرکت نخواهد داشت. گفته می‌شود این جدایی با «توافق متقابل» صورت گرفته است.

ماجرای جدایی لینه‌کر پس از آن شدت گرفت که او هفته گذشته یک ویدئو در حمایت از فلسطین را در شبکه‌های اجتماعی بازنشر کرد؛ او یک شکلک موش را در کنار این ویدئو منتشر کرد؛ نشانه‌ای یهودستیزانه که در آلمان نازی برای توصیف یهودیان استفاده می‌شد. لینه‌کر فوراً عذرخواهی و اعلام کرد که «هرگز آگاهانه محتوای یهودستیزانه منتشر نمی‌کند.» او پس از آگاهی از چندوچون موضوع، این تصویر را از صفحه خود در شبکه اجتماعی اینستاگرام حذف کرد. البته این مجری ۶۴ ساله به تلاش رسانه‌ای در راه دفاع از فلسطین شهرت دارد و بارها با اقدامات مختلف توجه رسانه‌ها را به حوادث تلخ غزه و وضعیت حقوق بشری ساکنان این باریکه بعد از ۲ سال جنگ خونین جلب کرده است.

تیم دیوی، مدیرکل بی‌بی‌سی که تحت فشار شدیدی برای اخراج لینکر قرار دارد، گفته: «اعتبار بی‌بی‌سی به همه وابسته است و اشتباه یک نفر به همه ما آسیب می‌زند. افراد باید نمونه‌ای از ارزش‌های بی‌بی‌سی باشند و سیاست‌های شبکه‌های اجتماعی ما را رعایت کنند.» لینه‌کر طی سال گذشته ۱.۴ میلیون پوند از بی‌بی‌سی حقوق دریافت کرد. از موش برای توصیف یهودیان استفاده می‌شد.

لینه‌کر در واکنش به اعتراض‌ها با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد: «هرگز آگاهانه چیزی ضدیهودی را به اشتراک نمی‌گذارم» و افزود که این پست را «به محض اطلاع از مساله» حذف کرده است. با این حال، فشارهای رسانه‌ای و سیاسی برای برکناری او ادامه یافت. بیش از ۱۰ هزار نفر در توماری از یک کارزار ضد یهودستیزی، خواستار برکناری فوری لینکر شدند.

یک منبع مطلع به سان گفته: «گری پذیرفت موقعیتش در بی‌بی‌سی برای اجرای مهم‌ترین تورنمنت فوتبال جهان غیرقابل قبول است و جام جهانی را اجرا نخواهد کرد. او پیشنهاد داد در پایان فصل کنار برود و نمی‌خواست بی‌بی‌سی، سازمانی که هنوز برایش احترام زیادی قائل است وارد جنجال بیشتر شود. او از اتفاقات اخیر بسیار ناراحت است.» لینه‌کر پیش‌تر در مارس ۲۰۲۳ به دلیل انتقاد از سیاست پناهندگی دولت محافظه‌کار بریتانیا موقتاً از



پنهانور در کنار خود پذیرفت و خود همچنان بالید و بالید. اما چگونگی این مسیر طولانی را طی کرد؟ دلیل اصلی ماندگاری زبان فارسی این بود که در هر دوره‌ای، حرفی برای گفتن داشت. و دیگر این‌که درجا نزد، مانند هر موجود زنده دیگر با زمان پیش رفت و تکامل یافت. زبان بر زبان زندگان جاری می‌شود و مانند موجودات زنده تغییر می‌یابد، رشد می‌کند و با زمان پیش می‌رود اما ریشه و خانواده‌اش را همیشه با خود دارد. امروز ما مانند مردم دوران هخامنشی سخن نمی‌گوییم و به روش نوشته‌های آن دوران با هم ارتباط برقرار نمی‌کنیم اما واژگان و سبک نوشته‌هایمان، فرزندان همان زبان کهن هستند. تحول زبان ما گاه بسیار چشم‌گیر است.» او جوانان و دانشجویان حاضر در سالن را مخاطب قرار داد و گفت: «قدر زبان‌مان را بدانیم، ادبیات غنی و بی‌نظیرمان با آن به نگارش درآمده است. نسل ما این گنجینه را چون جان عزیزش حفظ کرد و اینک به دست شما نسل جدید می‌سپاریم. همتی کنید و نگاهبانش باشید. با اندیشه‌های مغرزانة قومی و سیاسی وارداتی آلوده‌اش نکنید. فارسی، دشمن گویش‌ها و زبان و فرهنگ‌های قومی و بومی نیست بلکه در کنار همه آن‌ها، زبان ملی و زبان یکپارچگی این سرزمین است. بادمان نرود که هر یک از ما به بخشی از این سرزمین تعلق داریم و در کنار زبان فارسی با زبانی دیگر با همشهریان خود ارتباط برقرار می‌کنیم؛ من با حیدرآبادی شهریار به دوردست‌های آذربایجان سفر می‌کنم و با ترانه آن روستایی هم‌زبان می‌شوم که آستانه خانه‌اش را آب می‌باشد تا وقتی یارش می‌آید، غباری برنخیزد. دوست دیگری از میان شما بارها با ترانه‌های کردی سرزمینش هم‌نوا شده است و دیگری با روایت‌های بلوچی و دوستان دیگری با ترانه‌های گیلکی، مازندرانی، خراسانی، بوشهری و غیره و غیره.»

حاکمیت سیاسی ظهور کرده بود- میدان را خالی نکرد. ایرانیان اسلام را پذیرفتند اما زبان فارسی را از دست ندادند. برخلاف دیگر سرزمین‌های تحت حکومت اسلامی که زبان عربی را به طور کامل پذیرفتند، ایرانیان نه تنها واژه‌هایی از عربی جذب کردند بلکه بسیاری از واژه‌های اصیل فارسی را نیز به زبان عربی اهدا کردند. گویش‌ورهایش این زبان جدید را خوب آموختند، بر کتاب آسمانی قرآن به زبان شیرین فارسی تفسیر نوشتند، دستور زبان آن را تکمیل کردند و بر اوزان شعری عربی با تسلط کامل شرح و نقدها نگاشتند اما در عین حال هویت زبان پارسی را حفظ کردند. هویت زبان فارسی را یعقوب لیث صفاری به ثبت رساند و سلسله ایران‌دوست سامانی راهگشای ارزنده پیشرفت این زبان شد. این زبان بر زبان رودکی جاری شد و در شاهنامه فردوسی اوج گرفت و مردم ساده‌دل این سرزمین، بیش از بزرگان و برخی خودفروختگان تشنه مقام آن روز، این زبان را چون فرزند دل‌بندشان حفظ کردند؛ در لالایی‌های مادرانه، در دوبیتی‌های عاشقانه و سپس در اشعار فیلسوفانه و عارفانه مولوی، عطار و سنایی جای گرفت.»

ژاله آموزگار با اشاره به شاعران بزرگ زبان فارسی ادامه داد: «مولوی اگرچه در قویته می‌زیست اما کتاب مثنوی و غزلیات جاودانه خود را به این زبان سرود. نظامی در گنجه بود اما به فارسی شعر گفت. این زبان را سعدی‌ها، حافظ‌ها، خواجه‌ها، صائب‌ها، قطران‌ها، بهارها، سهراب‌ها و شهریارها و قیصر امین پورها نام‌پرداز کردند. و این زبان در گذر زمان زبان اسلام در فارو‌دان شد و اسلام را در هند همراهی کرد و بر زبان سلاطین عثمانی نیز جاری گشت و طی زمان هم‌چنان خود را ساخت و ویرایش کرد تا در دست و قلم من و شما قرار گرفت و زبان ملی ما و جزئی از هویت ما شد. گویش‌ها و زبان‌های دیگر را در این سرزمین

مسیرهای تاریک در زندگی‌اش می‌شود. جواد عزتی و نگار جواهریان از بازیگران اصلی این سریال هستند. تاکنون ۵ قسمت از این سریال پرخاصیه پخش شده که مورد تقدای منفی و مثبت قرار گرفته که با کمی اغماض می‌توان گفت: «وحشی» در مقیاس و اندازه خود نسبت به سایر سریال‌های نمایش خانگی این دو سال اخیر بهتر است تا حدی که می‌توان با برخی از آثار متوسط خارجی مقایسه کرد. سیدی که در اکثر آثارش به جزئیات اهمیت فراوانی می‌دهد در «وحشی» سعی کرده، مینا را روی تغییر کاراکتر داود اشرف با بازی جواد عزتی بگذارد. اشرف از یک شخصیت منطقی به دور از حاشیه، خیر و دلسوز که سعی دارد، خشمش را کنترل کند به دلیل بحرانی که برایش به وجود می‌آید و سبب فروپاشی روانی‌اش می‌شود، تبدیل به کاراکتری ترسو و دروغگو شده که به تدریج خوی وحشیانه در او حلول می‌کند. جواد عزتی در «وحشی» با بازی تقریباً هدایت شده‌اش، توانسته شمایلی از یک کارگر معدن که در حومه استان تهران زندگی می‌کند، ارائه دهد. از بداقبالی‌اش سه قتل ناخواسته بر گردنش افتاده و حالا کاراکتر منطقی داستان دیگر تسلطی بر رفتارش ندارد، گاهی با هوش و ذکاوت است و گاهی هم از فرط ترس، رفتارهایی احمقانه از او سر می‌زند. مخاطب در این ۵ قسمت با سیر تغییر و تحول این شخصیت آشنا می‌شود و می‌بیند چگونه میمیک صورت او هر لحظه درحال تغییر است و داود را تبدیل به هیولا می‌کند. در سکansı با نورپردازی بجا،

حجم استرس و تعلیق در هر قسمت به اوج خود می‌رسد اما تبلیغات گسترده در اوج سکانس‌های حساس، نفس سریال را می‌گیرد. ریتم روایت در این ۵ قسمت تند و مناسب قصه و روایت بوده است. نورپردازی و طراحی لباس و حتی نمادهای به کار گرفته شده در جهت هدف سریال صورت گرفته است. فیلمبرداری مرتضی نجفی به تصاویر کاملاً عمق داده است اما با همه این تفسایر «وحشی» پر از باگ و اشتباهات نه چندان کوچک است که از چشمان هومن سیدی دور مانده یا اینکه چندان برای او مهم نبوده است.

اینکه هر کسی می‌داند که در معدن نباید سیگار کشید از بدیهات اولیه است که در همان قسمت نخست سریال دیده می‌شود؛ اشرف و همکارانش در دل معدن درحال سیگار کشیدن هستند. از آنجا که اشرف به زندان می‌افتد و وکیل تسخیری می‌گیرد، بیننده انتظار یک وکیل کاریزما‌تیک و مسلط دارد اما با وکیلی به نام رها جهان‌شاهی با بازی نگار جواهریان رویه‌رو می‌شود که در همان جلسه اول می‌گوید، پرونده‌ای که در آن پیروز شده باشد، ندارد و در حین صحبت کردن چشمان متهم و وکیل درحال ردوبدل کردن احساسات هستند که این نوع شکل‌گیری رابطه بین متهم به قتل و وکیل در جلسه اول عجیب است. حتی در جلسه بعدی که این دو همدیگر را ملاقات می‌کنند، اشرف با او رابطه‌ای صمیمانه دارد و بارها وی را با اسم کوچک صدا می‌زند. همه اینها درحالی اتفاق می‌افتد که قاضی دادگاه سریال از قضات بازنشسته کشور است و می‌توانسته در این مورد، مشاوره دهد.

در کل به نظر می‌آید، آنچه که برای هومن سیدی در سریالش مهم است، تحول شخصیت است. اینکه هر فردی در درونش یک هیولای وحشی دارد که بنا به شرایط مختلف در وی بیدار می‌شود، درست مانند همان هیتلر که در فیلم سینمایی «جنگ جهانی سوم» در کاراکتر شکیب با بازی محسن تابنده ظهور کرد.



اقتصاد: یک موضوع

بازگشت ارز ترجیحی

آیا بازگشت به ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان اثری روی کالاهای اساسی می‌گذارد؟

سمیرا بهبانی

تحلیلگر

دولت تصمیم گرفت ارز کالاهای اساسی را مثل سال‌های قبل با قیمت ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان تخصیص دهد. این خبر را معاون وزیر جهاد کشاورزی مطرح کرده و گفته: «در جلسه روز گذشته دولت، اعلام شد که تمامی کالاهای اساسی مثل سنوات قبل ارز مورد نیازشان تخصیص داده می‌شود. حتی نرخ ارزی که در قانون بودجه آمده بود و به ۳۷ هزار تومان رسیده بود، مجدداً به ۲۸۵۰۰ تومان برگشت که این اقدام بسیار موثری است برای اینکه بتوانیم مواد اولیه را به قیمت مناسب در اختیار واحدهای تولیدی قرار دهیم».

بازگشت نرخ ارز کالاهای اساسی به ۲۸۵۰۰ تومان، سیاستی است که به عقیده موافقان آن، در راستای حمایت از معیشت مردم و کاهش هزینه‌های تولید به تصویب رسیده است. کالاهای اساسی شامل اقلامی مانند گندم، جو، ذرت، سویا، روغن خام و برخی داروها و تجهیزات پزشکی است که برای تامین نیازهای ضروری مردم و حفظ امنیت غذایی اهمیت دارند.

این سیاست به معنای تامین ارز مورد نیاز واردات این کالاها با نرخ یارانه‌ای ۲۸۵۰۰ تومان، به‌جای نرخ‌های بالاتر نمایا با آزاد، است تا از افزایش قیمت این اقلام در بازار داخلی جلوگیری شود.

مدافعان معتقدند با این اقدام، هزینه‌های تولید برای واحدهای تولیدی کاهش یافته و انتظار دولت این است که قیمت کالاهای اساسی مانند گوشت، مرغ و ننان برای مصرف‌کنندگان نهایی کمتر شود. اما مخالفان معتقدند این سیاست باعث ایجاد رانت و فساد اقتصادی می‌شود، زیرا اختلاف قیمت ارز ترجیحی با قیمت بازار آزاد، فرصت سوء استفاده و قاچاق کالاهای یارانه‌ای را فراهم می‌کند. آنها استدلال می‌کنند که این مکانیسم به‌جای حمایت از اقشار کم‌درآمد، بیشتر به نفع واسطه‌ها و دلالان است و منابع ارزی کشور را هدر می‌دهد. همچنین، ارز ترجیحی به تولید داخلی آسیب می‌زند، زیرا واردات کالاهای ارزان‌تر با ارز یارانه‌ای، رقابت‌پذیری تولیدکنندگان داخلی را کاهش می‌دهد. از نظر مخالفان، این سیاست باعث تحریف بازار و تخصیص ناکارآمد منابع می‌شود و حذف آن به‌نفع شفافیت اقتصادی و حمایت هدفمند از نیازمندان است.

از سوی دیگر بازگشت نرخ ارز کالاهای اساسی به ۲۸۵۰۰ تومان با هدف تثبیت قیمت‌ها و کاهش فشار معیشتی، تأثیرات متفاوتی بر تورم دارد. از یکسو، این سیاست با کاهش هزینه واردات اقلام ضروری مانند گندم، جو، ذرت، سویا، روغن خام و دارو، هزینه‌های تولید را پایین نگه می‌دارد. این امر می‌تواند قیمت کالاهای اساسی مانند نان، گوشت، مرغ و محصولات دارویی را در بازار داخلی تثبیت کرده و از افزایش تورم در این بخش‌ها جلوگیری کند. کاهش مالیات کالاهای اساسی از ۱۰ درصد به یک درصد نیز این اثر را تقویت می‌کند، زیرا هزینه‌های تولید و عرضه کاهش می‌یابد.

از سوی دیگر، اگر تخصیص ارز ترجیحی محدود شود یا نظارت بر توزیع آن ضعیف باشد، ممکن است رانت‌خواری و انحراف منابع ارزی رخ دهد، مشابه تجربه حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی. این امر می‌تواند عرضه کالاهای اساسی را مختل کرده و به افزایش قیمت‌ها و تورم منجر شود. همچنین، افزایش نرخ‌های محاسباتی گمرکی (مانند ۶۸۷۰۰ تومان در سال ۱۴۰۴) برای سایر کالاها، هزینه واردات را بالا برده و به صورت غیرمستقیم تورم را در بخش‌های دیگر اقتصاد تشدید می‌کند.

کارشناسان هشدار داده‌اند که ناپایداری سیاست‌های ارزی و حذف تدریجی اقلام از شمول ارز ترجیحی می‌تواند فشار تورمی را افزایش دهد، به‌ویژه اگر منابع ارزی کافی تامین نشود. در مجموع، اثر ضدتورمی این سیاست به اجرای دقیق، تامین ارز کافی و نظارت بر زنجیره توزیع وابسته است، اما در صورت مدیریت نادرست، می‌تواند به تورم بالاتر منجر شود.

سعید خوش‌بین

گروه اقتصاد

هرچند دولت ترجیح داده سراغ اصلاح قیمت بنزین نرود اما تشدید قاچاق در مرزها، دولت را به این نتیجه رسانده که در قیمت گازوئیل تجدیدنظر کند. با مصوبه جدید دولت، گازوئیل در کشور ما سه نرخ دارد: گازوئیل یارانه‌ای، نیمه‌یارانه‌ای و آزاد. بر این اساس سهمیه فعلی حمل‌ونقل بدون تغییر می‌ماند، نرخ نیمه‌یارانه‌ای برای پلکان دوم و نرخ آزاد (حدود ۲۸,۵۰۰ تومان) برای پلکان سوم تعیین شده است. هدف از این برنامه، صرفه‌جویی ۸ میلیون لیتری در مصرف گازوئیل و جلوگیری از قاچاق آن اعلام شده است.

دولت مدعی است که این طرح با اجرای دقیق برنامه‌های الکترونیکی و حذف سهمیه‌های صوری می‌تواند قاچاق را کاهش دهد. این درحالی است که طرح، تنها ۵۵ درصد مصرف گازوئیل (حمل‌ونقل) را هدف قرار داده و ۴۵ درصد دیگر (نیروگاه‌ها، صنایع، کشاورزی) را شامل نمی‌شود. کارشناسان معتقدند اثر تورمی طرح محدود است، زیرا بخش عمده مصرف با سهمیه تامین می‌شود، اما صرفه‌جویی آن ناترازی را رفع نمی‌کند.

این طرح با ثابت نگه داشتن سهمیه اصلی، اثر تورمی محدودی خواهد داشت، زیرا بخش عمده مصرف حمل‌ونقل با نرخ یارانه‌ای تامین می‌شود. با این حال، افزایش قیمت گازوئیل در پلکان‌های دوم و سوم می‌تواند هزینه‌های حمل‌ونقل جاده‌ای را بالا برده و به صورت جزئی بر قیمت کالاها و خدمات اثر بگذارد. به عقیده ناظران، موفقیت طرح به نظارت دقیق بر توزیع و جلوگیری از مصارف غیرواقعی وابسته است. بدون اصلاحات ساختاری، مانند آزادسازی قیمت‌ها یا بهبود بهر‌وری شرکت‌های دولتی، تأثیر این سیاست محدود خواهد بود. توسعه حمل‌ونقل عمومی و اصلاحات تدریجی نیز می‌تواند مکمل این طرح باشد. در مجموع، سمنرخی کردن گازوئیل گامی اولیه برای مدیریت مصرف و قاچاق است، اما برای حل کامل ناترازی سوخت، نیازمند راهکارهای جامع‌تر و بلندمدت است.

تجربه جهانی قیمت گازوئیل

قیمت گازوئیل در کشورهای اروپایی تحت تأثیر عوامل متعددی تعیین می‌شود. بخش عمده قیمت به بازار جهانی نفت وابسته است، زیرا گازوئیل از تقطیر نفت خام به دست می‌آید و نوسانات قیمت نفت خام مستقیماً بر آن اثر می‌گذارد. مالیات‌ها و عوارض دولتی نقش مهمی دارند؛ در اتحادیه اروپا، مالیات‌های زیست‌محیطی و مالیات بر مصرف سوخت، که برای کاهش استفاده از سوخت‌های فسیلی و تشویق انرژی‌های تجدیدپذیر وضع شده‌اند، اغلب بیش از ۳۰ تا ۴۰ درصد قیمت نهایی را تشکیل می‌دهند. به‌عنوان مثال، در کشورهایی مانند

بازار سهام

سیاست سه‌نرخی

اصلاح قیمت گازوئیل چه عوارضی دارد؟



قیمت را شامل می‌شود. هزینه‌های توزیع و بازاریابی، ازجمله حمل‌ونقل سوخت به جایگاه‌ها و تبلیغات، نیز حدود ۱۴ تا ۱۵ درصد قیمت را تشکیل می‌دهد.

مالیات‌های ایالتی نیز نقش مهمی دارند؛ مالیات فدرال برای گازوئیل ۲۴/۴ سنت به ازای هر گالن است که ۶ سنت بیشتر از مالیات بنزین بوده و بخشی از آن به صندوق اعتماد بزرگراه‌ها اختصاص می‌یابد. میانگین مالیات‌ها و عوارض ایالتی در ژانویه ۲۰۲۴ حدود ۳۴/۷۴ سنت به ازای هر گالن بود که در مجموع، مالیات‌ها حدود ۱۷ درصد قیمت نهایی را تشکیل می‌دهند. این مالیات‌ها در ایالت‌های مختلف متفاوت است؛ به‌عنوان مثال، کالیفرنیا به دلیل مالیات‌های بالا و مقررات زیست‌محیطی سخت‌گیرانه، قیمت گازوئیل بالاتری (حدود ۶/۲۸ دلار در گالن در نوامبر ۲۰۲۲) نسبت به ایالت‌هایی مانند تگزاس (۴/۶۹ دلار) دارد. عرضه و تقاضا نیز تأثیرگذار است؛ تقاضای جهانی برای گازوئیل، به‌ویژه در بخش حمل‌ونقل و صنعتی، و محدودیت‌های عرضه، مانند کاهش تولید در دوره‌های خاص، قیمت را بالا می‌برد. از سال ۲۰۰۴، تقاضای جهانی رو به رشد در چین، اروپا و آمریکا، همراه با هزینه‌های تولید ULSD باعث شده قیمت گازوئیل معمولاً بالاتر از بنزین باشد. عوامل منطقه‌ای، مانند هزینه‌های حمل‌ونقل سوخت در ایالت‌های غربی یا کمبود ذخایر نفت در کالیفرنیا، نیز تفاوت‌های قیمتی را تشدید می‌کند.

قیمت‌ها به صورت هفتگی توسط اداره اطلاعات انرژی آمریکا (EIA) پایش شده و تحت تأثیر عوامل فصلی، مانند افزایش تقاضا در زمستان یا رویدادهایی مانند توفان‌ها، تغییر می‌کنند. در مجموع، قیمت گازوئیل در آمریکا نتیجه ترکیبی از قیمت نفت خام، هزینه‌های پالایش و توزیع، مالیات‌ها، و پویایی عرضه و تقاضا در سطح محلی و جهانی است.

هلند و دانمارک، مالیات‌های بالا قیمت گازوئیل را به بیش از ۱/۶ یورو در لیتر می‌رساند، درحالی‌که در لیتوانی با مالیات کمتر، قیمت پایین‌تر است.

شرکت‌های نفتی بین‌المللی، مانند شل، نیز در تامین و توزیع سوخت نقش دارند و قیمت‌ها را براساس هزینه‌های تولید، حمل‌ونقل و عرضه و تقاضا تنظیم می‌کنند. سیاست‌های یارانه‌ای یا سقف قیمت در برخی کشورها اعمال می‌شود، اما در اروپا معمولاً یارانه‌ای وجود ندارد و برعکس، مالیات باعث افزایش قیمت می‌شود. به‌عنوان نمونه، در فرانسه قیمت گازوئیل حدود ۱/۵ یورو در لیتر است، درحالی‌که در نروژ به بیش از ۲ یورو می‌رسد.

نرخ ارز، وابستگی به واردات و سیاست‌های منطقه‌ای مانند کاهش مصرف سوخت‌های فسیلی تا سال ۲۰۴۰ در فرانسه نیز بر قیمت اثر می‌گذارند. در برخی موارد، مانند بحران انرژی ۲۰۲۲، کشورهای اروپایی برای کاهش فشار اقتصادی، مالیات سوخت را موقتاً کاهش دادند، اما این اقدامات به دلیل افزایش تقاضا و تأثیرات ژئوپلیتیکی، مانند روابط با روسیه، محدود بود. در مجموع، قیمت گازوئیل در اروپا نتیجه ترکیبی از بازار جهانی، مالیات‌های دولتی، هزینه‌های توزیع، و سیاست‌های زیست‌محیطی است.

همچنین قیمت گازوئیل در ایالات‌متحده تحت تأثیر عوامل متعددی تعیین می‌شود. مهم‌ترین عامل، قیمت جهانی نفت خام است که حدود ۵۰ درصد قیمت نهایی آن را تشکیل می‌دهد، زیرا گازوئیل از پالایش نفت خام تولید می‌شود و نوسان بازار نفت مستقیماً بر آن اثر می‌گذارد. هزینه‌های پالایش، شامل تبدیل نفت خام به گازوئیل و تولید سوخت با استانداردهای زیست‌محیطی مانند گازوئیل با گوگرد بسیار پایین (ULSD)، حدود ۱۴ درصد

و ۶۶ درصد دیگر منفی بودند؛ همچنین نمادهای وبملت، خسایا و وپاسار بیشترین تأثیر منفی را بر روند شاخص بورس داشتند و در مقابل مبین، سنخزر و پخش هم بیشترین تأثیر مثبت را دارا بودند.

همزمان، شاخص کل هم‌وزن نیز که عملکرد یک‌دست‌تری از کلیت بازار ارائه می‌دهد، با کاهش ۰.۲۲ درصدی به سطح ۹۷۵ هزار واحد رسید تا تفاوت میزان افت این دو نماگر بار دیگر حاکی از فشار فروش سنگین‌تر در نمادهای بزرگ بازار باشد. ارزش معاملات خرد بازار (سهام و حق‌تقدم‌ها و صندوق‌های سهامی) در پایان دادوستدهای دیروز به رقم ۱۵ هزار و ۶۳۹ میلیارد تومان رسید. با وجود این ارزش معاملات قابل‌توجه، خروج ۱۶۲۲ میلیارد تومانی پول حقیقی از بازار، همچنان علامتی منفی و نگران‌کننده برای تحلیلگران تکنیکال و بنیادی به‌شمار می‌رود.

خروج پول هوشمند از بازار سهام درحالی‌رخ می‌دهد که سرمایه‌گذاران در انتظار تعیین تکلیف برخی متغیرهای کلان

اقتصادی و سیاسی هستند. مذاکرات میان ایران و آمریکا، یکی از مهم‌ترین فاکتورهایی است که ابهام را به بازار سهام تزریق کرده و بازار سهام، در انتظار تعیین تکلیف شدن جدی این موضوع است.

در میان سایر بازارهای مالی، رشد نرخ ارزی یکی از تحولات مهم دیروز بود. دلار که در روز گذشته در مرز ۸۱ هزار تومان نوسان می‌کرد، دیروز به کانال بالاتر صعود کرد. این افزایش اثر مستقیمی بر بازگشایی مثبت صندوق‌های طلا داشت.

با توجه به ساختار این صندوق‌ها که مبتنی بر قیمت روز طلای جهانی و نرخ ارز داخلی هستند، افزایش قیمت دلار منجر به رشد بهای واحدهای این صندوق‌ها شد. به نظر می‌رسد که در صورت تداوم روند افزایشی نرخ ارز، تقاضا برای ابزارهای مبتنی بر طلا تقویت شود.

در نهایت باید گفت؛ نقدینگی از تالار شیشه‌ای و صندوق با درآمد ثابت درحال خروج است اما شاهد ورود پول حقیقی در صندوق کالایی هستیم.

خروج پول، ورود پول

وضعیت این روزهای بازار سهام چگونه است؟



نسرين خدادادی

گروه اقتصاد

بازار سهام درحالی هفته جدید را آغاز کرد که همچنان درگیر بی‌اعتمادی سرمایه‌گذاران نسبت به چشم‌انداز سودآوری شرکت‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان است. تفاوت رفتار شاخص کل و هم‌وزن از یک‌سو و رشد شاخص فرابورس از سوی دیگر، نشان از احتیاط معامله‌گران و جست‌وجوی فرصت‌های کم‌ریسک‌تر در بازار دارد.

بورس در سومین روز معاملاتی هفته با برتری فروشندگان در اکثر نمادهای بورسی مواجه شد؛ موضوعی که به افت قابل توجه نماگر اصلی بازار منجر شد. شاخص کل بورس تهران در پایان معاملات دیروز با کاهش ۰.۸۲ درصدی مواجه شد و تا سطح ۳ میلیون و ۲۲۵ هزار واحدی عقب‌نشینی کرد. در این بین؛ ۳۴ درصد نمادهای بورسی مثبت معامله شدند

زنگ خطر جمعیتی

ناکارآمدی سیاست‌ها در برابر کاهش موالید

گروه اجتماعی: براساس تازه‌ترین آمار ارائه شده از سوی قانمپناه، معاون اجرایی رئیس‌جمهور، تعداد تولدها در سال گذشته به ۹۷۹ هزار نفر کاهش یافته که نسبت به سال ۱۴۰۲ حدود ۷.۴ درصد افت نشان می‌دهد. هم‌زمان نرخ باروری کل به ۱.۴۴ رسیده که به مراتب کمتر از نرخ جایگزینی (۲.۱) فرزند به ازای هر زن) است. قانمپناه این کاهش تاریخی را «زنگ خطری جدی» خوانده و هشدار داده که روند فعلی اگر متوقف نشود، در دهه‌های آینده آثار بازگشت‌ناپذیری بر کشور خواهد داشت. وی با اشاره به جمعیت کنونی سالمندان (۱۰.۴ درصد) و پیش‌بینی رسیدن آن به ۲۶.۵ درصد در ۲۵ سال آینده، هشدار داد، ایران در آتیه به «سالمندترین کشور منطقه» تبدیل خواهد شد. به این ترتیب، کاهش موالید و پیری جمعیت، آسیب‌هایی مانند کاهش نیروی کار مولد، افزایش هزینه‌های نگهداری سالمندان و تضعیف رقابت‌پذیری اقتصادی را به همراه خواهد داشت.

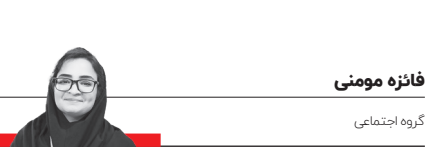
علل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بی‌میلی جوانان

تحلیل‌ها نشان می‌دهد فقدان پشتوانه اقتصادی و معیشتی مهم‌ترین عامل بی‌میلی جوانان به ازدواج و فرزندآوری است. فشار تورم، بیکاری و تورم بالای هزینه‌های جهیزیه و مسکن، ازدواج را به گزینهای پرهزینه تبدیل کرده است. کارشناسان اقتصادی می‌گویند: بدون ثبات مالی و شغل پایدار، چشم‌انداز والدین برای

جامعه: یک موضوع

ترویج صیغه در صداوسیما؟

آیا تبلیغ برنامه همسریابی به ازدواج جوانان کمکی می‌کند؟



فائزة مومنی

گروه اجتماعی

صداوسیما در برنامه «عصر خانواده» مدتی است با تبلیغات پرهیجان، یک سایت همسریابی خاص را ترویج می‌کند و از دستاوردهای آن مانور می‌دهد؛ برنامه صراحتاً به پینندگان توصیه کرده: «از همه دختران و پسران مجرد می‌خواهم در سایت آدم و حوا ثبت‌نام کنند» و قصه‌های موفقیت حتی در حد چند ساعت برای یافتن همسر آینده را بازگو می‌کند. در واقع در هر مهمانی و مراسمی که مهمانانی در آستانه ازدواج حضور دارند، تبسم برنامه «عصر خانواده» اصرار می‌کند حتماً در این سایت ثبت‌نام کنند. درحالی که این تبلیغات اغواگرانه می‌خواهد نقص فضا و روندهای طولانی خواستگاری سنتی را «چون زمان‌بر و هزینه‌بردار» نمایش دهد، بسیاری از کارشناسان و کاربران آن را ساده‌سازی آسیب‌زای دانند. به نظر می‌رسد صداوسیما با این رویکرد تلاش دارد انگاره «خالأ راهکار ازدواج جوانان» را پر کند؛ اما آیا واقعاً مشکل اصلی ازدواج نیافتن نیمه مناسب است یا مسائل دیگری باعث سردرگمی جوانان شده است؟

هشدار پلیس فتا و واقعیت سایت‌ها

پاسخ ناظران اغلب این است که بست و بنای نابه‌سامانی در فضای مجازی است و خود این سایت‌ها مسبب عمده مشکلات هستند. رئیس پلیس فتا اخیراً صراحتاً اعلام کرد: «اغلب این سایت‌های همسریابی فاقد هرگونه مجوز قانونی هستند و بسیاری از آنها صرفاً با هدف فریب کاربران و ارتکاب کلاهبرداری طراحی شده‌اند». به گفته سردار وحید مجید، کسانی که در این سایت‌ها ثبت‌نام می‌کنند، معمولاً طعمه وعده‌های دروغین شده و زیان‌های مالی و حیثیتی قابل توجهی متحمل می‌شوند. او تأکید کرده: به واسطه نگرانی‌های آبرویی، بسیاری از مال‌باختگان همسریابی جرأت شکایت نمی‌کنند، ولی پلیس با اقدامات فنی شبانه‌روزی صفحات متخلف را شناسایی و مسدود می‌کند. آمارهای پلیس فتا نشان می‌دهد: بیش از ۹۵ درصد سایت‌های همسریابی و صیغه‌یابی بدون مجوز فعال‌اند و حدود همان ۹۵ درصد، پس از دریافت پول حق عضویت، کوچک‌ترین خدمتی ارائه نمی‌کنند. سازوکار اغلب این سایت‌ها به این صورت است که ابتدا کاربران را با تبلیغات فریبنده جذب می‌کنند، سپس برای ارائه «خدمات خاص» درخواست واریز وجه می‌کنند و در نهایت ارتباط را قطع می‌نمایند.

معمولاً در این میان سوء استفاده از اطلاعات شخصی هم رایج است. کارشناسان فتا هشدار می‌دهند حتی در نمونه‌های دارای مجوز، پایگاه‌های همسریابی صرفاً به آموزش «شیوه انتخاب همسر» می‌پردازند و هیچ فایل بایگانی از اطلاعات خصوصی کاربران تشکیل نمی‌دهند. بنابراین توصیه می‌شود فردی اطلاعات شناسنامه‌ای یا خصوصی خود

زندگی آینده نامطمئن خواهد بود. از سوی دیگر، تغییرات فرهنگی و اجتماعی هم در این بی‌میلی دخیل است. افزایش مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی (تشریفات و جهیزیه سنگین) به همراه کاهش نگرش قناعت و چشم‌وهم‌چشمی، ازدواج را به یک «خرده‌فرهنگ» در اولویت‌های پایین جوانان بدل کرده است. همچنین روحیه فردگرایی و تأکید بر حفظ استقلال شخصی بیشتر شده؛ بسیاری از جوانان امروز تصور می‌کنند ازدواج آزادی و رفاه فردی آنان را تهدید می‌کند. علاوه بر این، شکاف نسلی و نگرش‌های متفاوت والدین و فرزندان (کشمکش سنت و مدرنیته) و نمونه‌گیری از نارضایتی اطرافیان (مثل طلاق‌دیدگی) نیز بر میل به تشکیل خانواده اثر منفی گذاشته است. در مجموع، فقدان «امید به آینده» – ناشی از وعده‌های ناتمام و نااطمینانی به ثبات اجتماعی – در کنار موانع اقتصادی، روحیه نسل جوان را نسبت به ازدواج و فرزندآوری سست کرده است.

سیاست‌های ناکارآمد گذشته در کانون انتقاد

قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت که در سال‌های گذشته تصویب شد، عمدتاً برنامه‌های انگیزشی کلی (مانند اعطای جوایز سالانه یا تخصیص درصدی از بودجه رسانه‌ها) را در بر می‌گیرد، اما برنامه‌ای واقع‌بینانه برای رفع مشکلات ریشه‌ای ازدواج و ازدواج نکردن جوانان ارائه نکرده است. گزارشی تحلیلی هشدار داده

است که این قانون حتی برنامه مشخصی برای تحکیم خانواده‌های موجود (پیشگیری از طلاق و کاهش درگیری‌ها) ندارد. در عمل نیز نمایندگان مجلس از روند ضعیف اجرای این قانون انتقاد کرده‌اند؛ تصویب اعتبارهای وعده داده شده به سرانجام نرسیده و بسیاری از تسهیلات ظاهری هنوز در سطح استان‌ها راه افتاده نیست. از سوی دیگر، تلاش‌های ایدئولوژیک برای افزایش جمعیت، مانند طرح حذف غربالگری جنین، به‌شدت مورد انتقاد کارشناسان پزشکی قرار گرفته است. قانمپناه صراحتاً جنین رویکردهایی را «مغایر با اصول علمی پزشکی و حقوق خانواده‌ها» دانسته و هشدار داده که ممنوعیت غربالگری نه‌تنها تأثیری در افزایش تولدها نداشته، بلکه هزینه‌های سنگینی بر خانواده‌ها تحمیل می‌کند. همچنین پدر علم ژنتیک ایران معتقد است اجرای این طرح «از نظر اصول اخلاقی پذیرفته نیست» و می‌تواند آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی بسیاری به جامعه وارد سازد. به این ترتیب، سیاست‌هایی که به‌جای ایجاد رفاه و انگیزه، بر مداخله اجباری و ممنوعیت به‌ویژه در حوزه‌های بهداشت باروری تأکید کرده‌اند، امروز در زیر ذره‌بین نقد عمومی قرار دارند.

واکنش‌ها و دیدگاه‌ها

چالش‌های جمعیتی واکنش‌های مختلفی را در جامعه به دنبال داشته است. مسئولان دولتی و کارشناسان حوزه جمعیت نسبت به

تفاوت اصلی اما در نحوه نظارت و فرهنگ استفاده است. در غرب معمولاً این سایت‌ها به بازار خدمات تخصصی ازدواج تبدیل شده‌اند و حتی پدیده «همسریابی از طریق دولت» یا آژانس‌های مشاوره ازدواج هم مرسوم است. اما در فضای ایرانی، فقدان حمایت‌های اجتماعی و اقتصادی برای ازدواج جوانان و همچنین بوروکراسی‌های دشوار، انگیزه رجوع به راه‌های سریع القلب مثل سایت‌های همسریابی را بالا برده است. کارشناسان فرهنگی معتقدند حل ریشه‌ای مشکل ازدواج نیازمند ارتقای شرایط واقعی ازدواج (اشتغال، مسکن، فرهنگی) است، نه جایگزینی کامل واسطه‌گری سنتی با پلتفرم‌های دیجیتال.

تحلیل پژوهشگران و نتایج

جامعه‌شناسان و متخصصان حوزه خانواده نیز از منظر انتقادی به موضوع نگاه می‌کنند. برای مثال، دکتر غلامحسین قانع‌راد در کتاب «زوال پدرسالاری» نقل می‌کند: وقتی مسئولان حمایت از ازدواج، جوانان را به ارسال مشخصات‌شان به سایت‌ها تشویق می‌کنند اما خود حاضر به پیشگام شدن و ثبت اطلاعات فرزندان‌شان نیستند، در واقع فقط می‌خواهند بگویند: «ما کاری کرده‌ایم». او معتقد است روزگاری واسطه‌های انسانی (نامادری، خواهرزاده‌ها، معتمد خانواده و...) به طور طبیعی افراد مناسب برای ازدواج را به یکدیگر معرفی می‌کردند، نه به‌عنوان شغل؛ اما اکنون «واسطه‌های تکنولوژیک جایگزین واسطه‌های انسانی شده‌اند و این شیفتگی به تکنولوژی، علاوه بر مردم، در میان مسئولان هم وجود دارد. زمانی که راهکار اجتماعی ندارند به روش‌های مدرن روی می‌آورند و این امر تضعیف‌ی بیشتر ساختارهای اجتماعی خواهد شد». به بیان او، هرچه روابط ازدواج «بی‌واسطه‌تر و چهره‌به‌چهره‌تر» باشد، از عمق و پایداری بیشتری برخوردار است. این نظر صریحاً نشان می‌دهد که فره شدن نقش فناوری در آشنایی‌های ازدواج لزوماً به نفع ثبات خانواده نیست.

کارشناسان روانشناسی و جامعه‌شناسی خانواده نیز بر این نکته تأکید دارند که معرفی ساده مسائل پیچیده با وعده‌هایی چون «کلیک و همسر مناسب» نوعی ساده‌سازی خطرناک است. به گفته آنها، مشکلات ازدواج جوانان عمده‌تاً اقتصادی و اجتماعی است، نه فقدان پلتفرم دیجیتال. جالب آنکه در چند سال اخیر نظرسنجی‌های داخلی هم نشان داده بیش از نیمی از جوانان مجرد راحل اصلی فرار از چالش‌های ازدواج را رفع موانع محیطی (استخدام، مسکن، تعاملات اجتماعی) می‌دانند و نه عضویت در سایت‌های همسریابی. علاوه بر این، تجربه بعضی کاربران ایرانی نشان می‌دهد بسیاری از کسانی که در سایت‌های همسریابی مجازی ثبت‌نام کرده‌اند، نه‌تنها به ازدواج نرسیده‌اند، بلکه گرفتار کلاهبرداری‌های مالی و عاطفی شده‌اند. اگرچه نمونه‌هایی از «ازدواج مجازی موفق» نیز گاه روایت می‌شود، اما به ادعای مراجع رسمی، اغلب این داستان‌ها تک‌درختان نادری هستند و کلیت ماجرا ابری ناخوشایند دارد.



وضعیت موجود هشدار می‌دهند. برای نمونه، دبیر ستاد ملی جمعیت از داده‌های یک پیمایش خبر داده که ۷۷ درصد زوج‌های ایرانی میلی به فرزندآوری ندارند. این آمار غیررسمی اما هشداردهنده، نقاط ضعف را به روشنی نشان می‌دهد. علاوه بر این، روانشناسان و جامعه‌شناسان به پیامدهای این روند اشاره می‌کنند؛ برخی از آنان بر ضرورت افزایش آگاهی جوانان و ارائه مشاوره‌های روانی پیش از ازدواج تأکید دارند تا آسیب‌های روانی (مانند ناکامی ترس از طلاق، ناامنی‌های شغلی و اقتصادی) کاهش یابد. به‌عنوان مثال، یک روانشناس یادآور شده مشکلات اقتصادی اصلی‌ترین عامل عدم تمایل به فرزندآوری است و فقدان اعتماد و همدلی میان زوج‌ها (بحران وفاداری و گذشت) نیز انگیزه خانواده‌ها را کاهش داده است. هم‌زمان رسانه‌ها و فعالان اجتماعی بر ضرورت تغییر گفتمان عمومی تأکید می‌کنند؛ آنها معتقدند باید به‌جای وعده‌های تبلیغاتی، اقداماتی عملی نظیر تقویت شغل و رفاه انجام شود تا ناامیدی از آینده مهار شود. برخی جامعه‌شناسان نیز نگران گسترش نسلی مجرد هستند و یادآور شده‌اند همینک در استان‌هایی مانند خوزستان «تجرد قطعی جوانان» بالا رفته و چاره کار را در تسهیل ازدواج جوانان می‌دانند. به طور کلی واکنش‌ها از برجسته کردن خطرات جمعیتی تا طرح معضلات روزمره مردم، طیف گسترده‌ای را شامل می‌شود اما همه بر یک نکته متفق‌القول‌اند؛ سیاست‌های گذشته کافی نبوده و اصلاح جدی لازم است.

خبر: شهری

موش‌ها در کمین تابستان تهران

بی‌توجهی به فصل زادآوری و ضرورت اقدام فوری

با نزدیک شدن تابستان، زنگ خطر افزایش جمعیت موش‌ها در تهران به صدا درآمده است. حضور گسترده این جانوران مودی در گوشه‌وکنار پایتخت نگرانی شهروندان و کارشناسان بهداشت را برانگیخته است. مهدی پیرهادی، رئیس کمیسیون محیط زیست و سلامت شورای شهر تهران، نسبت به تکثیر نگران‌کننده موش‌ها هشدار داده و تأکید کرده است که اگر اقدامی فوری برای مهار این جمعیت صورت نگیرد، در فصل زادآوری پیش‌رو، کنترل آنها بسیار دشوار خواهد شد. او یکی از مشکلات جدی پایتخت را افزایش شمار موش‌ها دانسته که می‌تواند پیامدهای خطرناکی برای بهداشت عمومی و زندگی شهری در پی داشته باشد؛ چراکه این جوندگان ناقل انواع بیماری‌ها هستند و حتی به زیرساخت‌های شهری آسیب می‌زنند.

این عضو شورای شهر خواستار ورود جدی شهرداری تهران به مبارزه با معضل موش‌ها شده است. پیرهادی می‌گوید، عملیات طعمه‌گذاری و دیگر روش‌های مبارزه باید توسط نیروهای متخصص شهرداری اجرا شود، به‌گونه‌ای که خطری متوجه شهروندان نشود. وی با اشاره به نقش حیاتی سازمان‌های مسئول در این زمینه معتقد است متولیان امر باید وظایف خود را با دقت و جدیت بیشتری انجام دهند. بی‌توجهی به فصل زادآوری موش‌ها و تاخیر در اجرای اقدامات کنترلی، به گفته او موجب رشد افسارگسیخته جمعیت آنها می‌شود.

علاوه بر اقدامات فوری، بر فرهنگ‌سازی و همکاری شهروندان نیز تأکید شده است. رعایت بهداشت عمومی، پرهیز از رها کردن زباله و پسماند غذایی در معابر و پاکسازی مستمر جوی‌ها و انهار ازجمله توصیه‌هایی است که مدیران شهری برای مهار این بحران مطرح می‌کنند. مسئولان از معاونت فرهنگی اجتماعی شهرداری و سایر نهادهای مرتبط خواسته‌اند برنامه‌های آموزشی لازم را برای مشارکت مردم در پاکیزه نگه داشتن شهر اجرا کنند. اقدامات پیشگیرانه شهروندان می‌تواند به طور قابل توجهی از گسترش موش‌ها جلوگیری کند.

معضل موش‌های تهران پدیده تازه‌ای نیست. در سال‌های گذشته نیز بارها نسبت به افزایش جمعیت موش‌ها در نقاط مختلف پایتخت هشدار داده شده و کارشناسان از عواقب بی‌عملی در این حوزه گفته‌اند. به‌رغم اجرای طرح‌های مقطعی نظیر طعمه‌گذاری گسترده، جمعیت این جانوران بار دیگر اوج گرفته است. برخی برآورد‌ها حاکی از وجود میلیون‌ها موش در پایتخت است. اکنون تدوین و اجرای یک برنامه جامع شهری با مشارکت مسئولان و مردم برای مهار پایدار جمعیت موش‌ها ضروری به نظر می‌رسد؛ تنها با چنین اقدامی می‌توان از تبدیل این معضل به بحرانی بزرگ‌تر جلوگیری کرد.

